

دکتر تد هیلدبرانت، تاریخ عهد عتیق و الهیات، سخنرانی ۱۳

© 2020 ، دکتر تد هیلدبرانت

این دکتر تد هیلدبرانت در دوره تاریخ، ادبیات و الهیات عهد عتیق، سخنرانی #13 در مورد کتاب لاویان: قدوسیت، قوانین پاکی، و مشکلات است.

پیش نمایش آزمون [0:00-2:33] AC

کلاس، بیایید از اینجا شروع کنیم. ما امروز کارهای زیادی برای انجام دادن داریم. ما سعی می کنیم کتاب لاویان را که جذاب ترین کتاب عهد عتیق است، پوشش دهیم. ما سعی خواهیم کرد امروز آن را برای ما برقصد.

برای مسابقه پنجشنبه، چه چیزی داریم؟ پنجشنبه استراحت چهارگانه است. بنابراین شما پنجشنبه تعطیل دارید. کریسمس مبارک! برای پنجشنبه آینده شما در حال کار بر روی کتاب یوشع هستید. جاشوا حدود بیست و چهار فصل دارد. آنقدرها هم بزرگ یا بد نیست. مقاله ای در مورد مفهوم جنگ وجود دارد، و بنابراین ممکن است برای شما جالب باشد. این در جنگ است و همسایه خود را مانند خودتان دوست داشته باشید، بنابراین این دو ایده را در کنار هم قرار می دهد. سپس برخی از آیات حافظه نیز وجود دارد. مزمور 100 با این جمله شروع می شود: "صدایی شاد برای خداوند ایجاد کنید." این یک مزمور معروف دیگر است که به اندازه مزمور 23 مشهور نیست، اما چند آیه وجود دارد و یوشع 8:1 وجود دارد که یک آیه واقعا کلاسیک در کتاب یوشع است. بنابراین، شما روی جاشوا کار خواهید کرد. من قصد دارم شروع به تلاش برای رسیدن به شما بچه ها کنم. من احتمالا هرگز در تمام ترم به شما نخواهم رسید، اما می خواهم سریعتر شروع به حرکت کنم. ما امروز بخش خوبی از کتاب لاویان را انجام خواهیم داد، احتمالا نه همه چیز. بنابراین شما روی جاشوا کار خواهید کرد. ما می خواهیم به خروج برگردیم و به لاویان برسیم. قبل از اینکه این کار را انجام دهیم، بیایید با یک کلمه دعا شروع کنیم و سپس به آن می پردازیم.

ای پدر، ما برای این روز از تو سپاسگزاریم. ما از شما برای مهربانی های شما نسبت به ما و کلامتان به ما سپاسگزاریم. ما برای برادران و خواهران خود در مصر که امروز در حال مبارزه هستند و تحت آزار و اذیت هستند، دعا می کنیم. کلیساها سوزانده می شوند. مسیحیان کشته می شوند. ما برادران و خواهرانمان را به یاد می آوریم و دعا می کنیم که شما بتوانید از آنها محافظت کنید و بتوانید در میان همه هرج و مرجی که اکنون در حال وقوع است به آنها حس معنا و هدف بدهید. در این کلاس به ما کمک کنید تا کتاب لاویان را مرور کنیم. دعا می کنم که شما به من کمک کنید تا آن را به روشی خوب و دقیق و منعکس کننده قدوسیت و خوبی شما توضیح دهم. تو خدای قدوس هستی. این یک امتیاز بزرگ است که

شما را پدر صدا بزنم و بدانم که شما پسر عیسی مسیح را از طرف ما دادی. و به نام گرانبهای او است که ما دعا می کنیم. آمین.

B. قانون خروج در مورد سقط جنین؟ [10:54-2:34]

بیا باید کتاب خروج را تمام کنیم. کاری که من می خواهم انجام دهم این است که به نوعی این قانون را در خروج معرفی کنم. به این رویه قضایی می گویند. رویه قضایی چیست؟ آیا می دانید قوانینی مانند این وجود دارد: نباید بکشید. دزدی نکن. شهادت دروغ نخواهی داد؟ اینها اصول کلی قوانین آخرالزمان هستند. نوع دیگری از قانون وجود دارد که "رویه قضایی" نامیده می شود. یک رویه قضایی به این صورت است: اگر جانی مشروب بخورد و جانی رانندگی کند، جانی به زندان می افتد. این یک نوع قانون اگر است که موارد خاصی را به شما می دهد. به همین دلیل است که آنها آن را "رویه قضایی" می نامند. اگر فرد این کار را انجام دهد، این اتفاق می افتد. این اگر-پس از آن با موارد خاص تجویز آنچه باید اتفاق بیفتد.

بنابراین آنچه ما در خروج فصل 21 داریم، در اینجا، یک رویه قضایی خاص است. بگذارید فقط متنی از خروج ۲۱: ۲۲ را بخوانم. می گوید: "اگر مردانی که می جنگند..." پس شما دو نفر دارید که با هم دعوا می کنند. "اگر مردانی که در حال دعوا هستند یک زن باردار را کتک بزنند..." بنابراین شما دو نفر دارید که با هم دعوا می کنند و چه اتفاقی می افتد. زن سعی می کند آن را از بین ببرد یا هر چیز دیگری، وارد دعوا می شود. شما دو مرد دارید که با هم دعوا می کنند و سپس اگر زنی که باردار است کتک بخورد. و او زودرس زایمان می کند، اما آسیب جدی وجود ندارد، مجرم باید جریمه شود.» مردی که زن باردار را کتک می زند باید جریمه شود "هر چه شوهر زن بخواهد و دادگاه اجازه دهد. اما اگر جراحت جدی وجود داشته باشد، باید جان را به جای زندگی، چشم به جای چشم، دندان در عوض دندان، دست به عوض دست، پا در عوض پا، سوختگی در عوض سوختگی، زخم در عوض زخم و کبودی را در عوض کبودی بگیری.» ما به آن چه می گوییم؟ *قصاص قانون*. آیا چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان را به خاطر دارید؟ این در واقع در اینجا ذکر شده است. "چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان، دست در برابر دست، سوختگی در برابر سوختگی" و این *قانون قصاص* نامیده می شود، قانون تلافی جویی. قانون قصاص در این رویه قضایی آورده شده است.

حالا، در واقع اینجا چه خبر است؟ شما دو پسر دارید که با هم دعوا می کنند، این زن وارد می شود، سعی می کند دعوا را بشکند. آن مرد به او مشت می زند. حالا، می گوید دو موقعیت وجود دارد که از آن بیرون می آید. یکی این است که اگر آسیبی وجود نداشته باشد. هیچ آسیبی به چه کسی وارد نشد؟ مردی که به او ضربه زده جریمه می شود. هیچ آسیبی به زن وارد نمی شود، اما زن ظاهراً سقط می کند یا بچه دارد و کودک، در اینجا فرض می شود که کودک می میرد. بنابراین، مردی که او را کتک زده

است باید جریمه از دست دادن کودک را بپردازد. پس اتفاقی که می افتد این است که شما در اینجا موقعیتی دارید که اساسا این زایمان زودرس وجود دارد که نوزاد دچار آسیب می شود، به احتمال زیاد مرگ به دلیل زایمان زودرس در آن زمان، آنها مانند ما در بیمارستان های امروزی که زندگی مادر و نوزاد را نجات می دهد، انجام نمی دهند. در آن زمان، نوزاد اغلب می مرد. اما توجه کنید که مجازات چیست. جریمه این است که باید هزینه ای پرداخت شود. بنابراین این سوال را در مورد جنین ایجاد می کند. آیا جنین قبل از تولد جنین یک فرد است؟ و جنین، در نتیجه ضربه زدن به زن، سقط جنین رخ داده است. توجه داشته باشید که در اینجا هزینه ای دریافت می شود که توسط شوهر ترتیب داده شده است. بنابراین ظاهرا قابل مذاکره است. این هزینه قابل مذاکره است و ممکن است بستگی به این داشته باشد که او چه ماهی بوده است، زود یا دیرتر و چیزهایی از این قبیل.

اما اگر زن مورد اصابت قرار گرفت و ما گفتیم، اگر به او آسیبی وارد شده است، خوب، بیایید به عقب برگردیم. اگر زن ضربه بخورد، چشم به چشم دندان در برابر دندان است. چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان برای زن، اگر آسیب دیده باشد. حالا، چرا برای جنینی که می میرد کمتر خواهد بود؟ چرا پناالتی کمتری وجود دارد؟ به هر حال، در آن فرهنگ نیز، اگر برده ای صدمه ببیند، آیا برای صدمه دیدن یک برده به جای چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان هزینه ای پرداخت می شد؟ بنابراین، آیا سلسله مراتب خاصی برای نحوه اعمال جریمه وجود دارد؟ حال، آیا این متن چیزی برای گفتن در مورد مسئله سقط جنین دارد؟ مردم از این متن برای سقط جنین استفاده کرده اند. آیا واقعا سقط جنین در اینجا سوال است؟ آیا این متن به مسئله سقط جنین می پردازد؟ نه، اینطور نیست. دو پسر در حال دعوا هستند، یک زن در وسط قرار می گیرد، و بام! آنها او را زدند و او سقط جنین کرد.

حالا، بگذارید جنبه دیگری از این موضوع را کار کنم. آیا قصد از نظر مجازات مهم است؟ من در جاده گریپ وین رانندگی می کنم. بچه ای است که دوچرخه سواری می کند. بچه، ناگهان، از آبی شفاف، فقط دوچرخه اش را می چرخاند و درست جلوی من منحرف می شود و من به بچه ضربه می زنم، بچه را می کشم، بچه زیر ماشینم است. من فقط بچه را کشتم. سوال: آیا من بقیه عمرم را به خاطر کشتن آن بچه به زندان می روم؟ آیا احتمالا تا آخر عمر پشیمان هستم؟ بله. اما آیا به خاطر آن به زندان می روم؟ حالا، راستی، در آن شرایط بچه را کشتم؟ من بچه را کشتم. سوال: آیا به جرم قتل به زندان می روم؟ چرا به جرم قتل به زندان نمی روم؟ به خاطر قتل غیر عمد به زندان می روید؟! آیا من اینجا به زندان می روم؟ اگر بچه درست جلوی من اینطور منحرف می شد؟ بخشی از دفاع من این بود که آیا تقصیر من بود یا کاری می توانستم انجام دهم؟ ترمزها در ماشینم خوب بودند و شما نمی فهمید، احتمالا حتی ترمزم را هم نزده بودم. بچه فقط منحرف شد و تمام شد. سوال: آیا کینه توزی و اندیشه ای وجود داشت؟ آیا کینه توزی و فکر قبلی به حساب می آید؟ بله. حالا، آیا ممکن است، فرض کنید ترمزهایم

خراب بودند و ترمزهایم نتوانستند ماشینم را متوقف کنند. آیا به آن می‌گویید، چه؟ غفلت. ممکن است سهل‌انگاری و چیزهایی از این قبیل وجود داشته باشد، اما در آن صورت هیچ‌کینه تیزی و فکر قبلی وجود نداشت.

حالا، بیایید به زنی برگردیم که مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. آن مرد زن را از پشتش بلند می‌کند. زن سعی می‌کند این مرد را از شوهرش یا چیزی بیرون بکشد و او می‌رود! او یک آرنج یا چیزی شبیه به آن به او می‌دهد. سوال: آیا مرد سعی می‌کند به زن آسیب برساند تا زن را از پشت خود دور کند؟ بله. بنابراین برای او، چشم به چشم می‌رود. سوال: او نوزاد را می‌زند و نوزاد سقط می‌شود. آیا قصدی علیه نوزاد وجود داشت؟ هیچ قصدی علیه کودک وجود نداشت. بنابراین، به عبارت دیگر، بله، آن زن، او سعی می‌کرد او را بزند، اما لزوماً سعی نمی‌کرد نوزاد را بزند. بنابراین، من فکر می‌کنم تمایزی بین این دو وجود دارد. بنابراین برای کودک جریمه می‌شود. آیا این ربطی به سقط جنین دارد؟ نه، اینطور نیست. شما باید واقعا مراقب باشید که آیات را به این شکل بیرون بکشید و از آنها برای اهدافی استفاده کنید که برای آنها داده نشده است؟ این برای نشان دادن موضع کتاب مقدس در مورد سقط جنین داده نشده است. به هر حال، این ربطی به جنین دارد؟ بله، همینطور است. اما برای این منظور داده نشده است و من فکر می‌کنم شما باید مراقب باشید که آیات را به این شکل بیرون بکشید و از آنها برای اهدافی استفاده کنید که برای آنها طراحی یا در نظر گرفته نشده‌اند. این نکته من برای این است. مراقب باشید که آیات را از متن کتاب مقدس خارج کنید و از آنها برای زمینه متفاوتی استفاده کنید که برای آن طراحی نشده‌اند.

به این رویه قضایی می‌گویند. اگر دو مرد در حال دعوا هستند و اگر آن مرد زن را بزند، این همان چیزی است که به آن "رویه قضایی" می‌گویند. اگر-پس از آن. اگر این اتفاق بیفتد، پس این اتفاق می‌افتد، پس این مجازات آن خواهد بود. بنابراین مفهوم برای برخی این است که جنین انسان است. با این حال، این واقعا به این موضوع نمی‌پردازد. این نکته این نیست. آیا جنین ارزشمند است؟ بله. اما به کل سوال پاسخ نمی‌دهد. به هر حال، من بسیار بسیار به شدت طرفدار زندگی هستم، اما چیزی که می‌گویم این است که شما باید مراقب زمینه باشید. استدلال‌های خوبی ایجاد کنید و از آیاتی مانند این استفاده نکنید که قرار نیست به این روش استفاده شود.

C. مقدمه ای بر لاویان [12:24-10:55]

حالا به لاویان می‌پردازیم. لاویان، سرگرم کننده ترین کتاب عهد عتیق! من سعی می‌کنم این را جالب کنم. در واقع، صادقانه بگویم، روزی روزگاری من یک دوره کامل در مورد کتاب لاویان تدریس کردم و در واقع اوقات خوبی را سپری کردیم. مشکل این است که کتاب لاویان هزاران سال از فرهنگ ما فاصله دارد؟ موضوع اصلی کتاب این است: "مقدس باشید زیرا من خداوند خدای شما مقدس هستم."

این موضوع اصلی است: "قدوسیت". به هر حال، این کتاب کتاب لایوان نامیده می شود. اگر در اینجا cus- را از انتها بردارید، کتاب درباره چه کسی است، کتاب لایوان؟ این در مورد لایوان است و گروه دیگر مردم چه کسانی خواهند بود؟ لایوان و کاهنان. تفاوت چیست؟ لایوان چیست؟ آنها از قبیله لاوی هستند. پس آنها لاوی هستند، اگر از قبیله لاوی باشند. کشیش ها کدامند؟ کشیش ها از کجا آمده اند؟ نوادگان هارون، بله. بنابراین هارون یک لاوی است، اما نوادگان هارون کاهن هستند. هارون به عنوان کاهن اعظم منصوب شد، فرزندان و فرزندان فرزندانش نیز کشیش شدند. بنابراین فرزندان هارون کاهنان هستند. لایوان تجهیزات خیمه را حمل می کنند. کشیش ها چه می کنند؟ کشیش ها در محراب و در قدس الاقداس و چیزهایی از این قبیل خدمت می کنند. کاهنان مشغول انجام قربانی می شوند، در حالی که لایوان کسانی هستند که خیمه را می کشند.

د- مذهب بیرونی و درونی [14:03-12:25]

آیا دین منحصر به فرد شخصی و خصوصی است و الزامات بیرونی کمی دارد؟ در فرهنگ ما، آیا ما خصوصی شده مذهب؟ آیا صحبت کردن در عرصه عمومی در مورد مذهب خود تقریباً بی جا است؟ آیا آنها تا آنجا که یک بیان عمومی است، بیان عمومی مسیحیت را ساکت کرده اند؟ آیا تقریباً در عرصه عمومی ساکت شده است؟ دین شما قرار است چیزی شخصی و خصوصی باشد، چیزی که برای خودتان نگه می دارید. در فرهنگ ما به نوعی خنده دار است، اینطور نیست؟ پرسش: آیا صحبت کردن در مورد آن نامناسب تر است مذهب در انتظار عمومی یا برای دیدن اعمال جنسی در ملاء عام؟ کدام یک در فرهنگ ما پذیرفته تر است؟ بله، آیا کنایه را در آنجا دریافت کردید؟ باور نکردنی است! چیزی که باید بسیار خصوصی باشد عمومی می شود و اشکالی ندارد. چیزی که باید علنی شود ساکت شده است. بنابراین، آیا این چیزی است که من می خواهم به آن فکر کنید که چگونه بیان مذهبی در فرهنگ ما ساکت شده است؟ این بسیار هدفمند بوده است و من بیش از چهل سال شاهد آن بوده ام. این بسیار خاص است و اکنون تقریباً غیرممکن است که در مورد مذهب در ملاء عام صحبت کنیم. آیا دین چیزهای بیرونی دارد؟ آیا دین بیان بیرونی خود را دارد یا فقط شخصی و خصوصی است؟

E. فرقه در مطالعات عهد عتیق [23:57-14:04]

در اینجا یکی دیگر وجود دارد: فرقه در عهد عتیق؟ حالا، وقتی من از کلمه "فرقه" استفاده می کنم، اغلب اوقات سر مردم به این مرد جیمی جونز برمی گردد و نوشیدن کول اید و همه افرادی که مرده اند - این یک فرقه است. یک فرقه مردم شستشوی مغزی شده اند و آنها به این نوع زمینه بسته فرقه می روند. این چیزی است که ما به "فرقه" فکر کنید. وقتی در مطالعات عهد عتیق هستید، نمی توانید اینطور فکر کنید. در مطالعات عهد عتیق، فرقه هر کاری است که در خارج انجام می دهید تا نماد دین خود باشد. بنابراین، به عنوان مثال، وقتی قبل از کلاس دعا می کردیم، بپرسید: آیا سرم را خم کردم و

چشمانم را بستم تا دعا کنم؟ سرم را خم کردم - آیا این بخشی از فرقه است؟ بله، این بخشی از فرقه است، این کاری است که من در خارج انجام می دهم. وقتی کسی دعا می کند، آیا برخی از افراد کلاه خود را برمی دارند تا برای نشان دادن احترام دعا کنند؟ آیا کسی این کار را انجام می دهد - خودش را صلیب می کند؟ آیا این یک عمل پرستشی خارجی است که شما برای نماد دین انجام می دهید. اینها چیزهای بیرونی هستند. برخی از شما از کلیساهایی می آید که از نظر چیزهای بیرونی مانند آیین عبادی با فرقه کار زیادی می کنند. آیا بعضی از شما از کلیساهایی می آید که آیین عبادی زیادی دارند؟ آیا بعضی از شما از کلیساهایی می آید که تقریباً هیچ عبادی ندارند؟ بنابراین شما وارد سنت های مختلف می شوید. فرقه هر کاری است که شما در خارج انجام می دهید تا نماد دین خود باشد. به هر حال، آیا برخی از افراد با پوشیدن تی شرت نماد دین خود را در خارج نشان می دهند؟ من در کلاس یونانی هستم و تی شرت یک بچه می گوید: "عیسی حکومت می کند." آیا این بیان بیرونی دین او است؟ بنابراین شما می توانید هر کاری را که در خارج انجام می دهید بگویید، آیین عبادی معمولاً در کلیساها فرقه است. آیا در عهد عتیق بیان بیرونی زیادی از دین وجود دارد؟ بله. آنها باید به این فکر می کردند که چگونه به روش های مختلف به خدا نزدیک می شوند. بنابراین، این فرقه به اهمیت عوامل بیرونی مربوط می شود که به خدا نزدیک می شوید. آیا عوامل خارجی مهم هستند یا فقط قلب شما مهم است؟ آیا وقتی به کسی نزدیک می شوید عوامل خارجی مهم هستند؟ حالا، من از یک آیین استفاده کردم، آن را "مراسم شکنجه" می نامم که با همسرم دارم. احتمالاً نباید اینطور بگویم، شما باید درک کنید، پیشینه من از زمانی که بزرگ شدم. من از کودکی با بازی دو و میدانی بزرگ شدم و در دبیرستان فوتبال، بسکتبال و تنیس بازی می کردم - سه فصل، سه ورزش مختلف. وقتی به دانشگاه رفتم، دو فصل مختلف بازی کردم: بسکتبال و تنیس. من دیگر ورزش نمی کنم، واضح است. اما وقتی جوان تر بودم، هر روز ورزش می کردم. عرق بخشی از زندگی من بود. عرق مرا آزار می دهد؟ پاسخ این است: نه. من نیمی از عمرم عرق کرده ام. بنابراین اکنون ناگهان خودم را ازدواج کرده ام. بنابراین من بیرون می روم و چمن می زنم و سپس علف های هرز را انجام می دهم و همه این کارها را بیرون انجام می دهم و وارد می شوم و یک تی شرت می پوشم. بنابراین من خیس عرق شده ام. سپس این مراسم را انجام می دهم و نزد همسرم می آیم و می گویم: "عزیزم... من را دوست داری؟ چقدر مرا دوست داری؟ من یک آغوش می خواهم!" من می آیم و معمولاً بررسی می کنم که او چقدر مرا دوست دارد. حالا سوال این است که آیا او مرا دوست دارد یا نه؟ وقتی اینطور عرق می کنی، مرا دوست نداری. اما چیزی که من می گویم این است که چه اتفاقی می افتد؟ چطور وقتی به همسرم نزدیک می شوم و همه اینطور عرق می کنم - آیا رویکرد مهم است؟ آیا این بر نحوه تفکر او در مورد من تأثیر می گذارد؟ وقتی همه عرق می کنم، این کار او را ناراحت می کند، و او می گوید: "از من دور شو! از من دور شو!" «همسرم دیگر مرا دوست ندارد!» نه، وقت آن است که یک

دوست دوش بگیرید! وقت آن است که عمل خود را جمع کنید. بنابراین چیزی که من می گویم این است: رویکرد مهم است. این چه تاثیری بر نحوه برخورد ما با خدا دارد؟

چند روز دیگر در دفترم بودم. معمولاً وقتی در دفترم درس می خوانم، روی صندلی ام لگد می زنم، پاهایم را روی میز می گذارم و می خوانم. اینگونه می خوانم. لگد می زنم، پاهایم را روی میز کارم می گذارم و می خوانم. ناگهان صدای کوبیدن در را می شنوم. برمی گردم (این طبقه سوم است، فراست با تمام اعضای هیئت علمی آن بالا و هیچ به جز اساتید به آنجا نمی رود، هیچ نمی تواند راه خود را به آنجا پیدا کند و مثل یک پیچ و خم است!) بنابراین ما آنجا هستیم و ناگهان برمی گردم و بوق بزن! رئیس کالج گوردون وجود دارد! من پاهایم را روی میز کارم بلند کرده ام و می گویم: "گاو مقدس! رئیس جمهور اینجا است!" حالا، سوال، آیا من کمی از این بابت خجالت کشیدم؟ این رئیس کالج است. آیا می خواهم وقتی رئیس کالج می آید آنجا بنشینم و پاهایم را روی میز کارم بالا بگذارم؟ من در 12 سال گذشته هرگز رئیس جمهور را ندیده ام. آیا من این مرد را دوست دارم؟ او واقعا یک آدم خوش آمد است - بنابراین، او در دفتر من است و ناگهان مثل این است که "وای! من عادت ندارم که رئیس جمهور را اینجا داشته باشم." ما با هم صحبت کردیم. او واقعا پسر خوبی است. اما چیزی که من می گویم این است: رئیس جمهور ظاهر می شود - بسیار خوب، حالا فرض کنید الین فیلیپس، که من 35 سال است او را می شناسم، به عنوان یک دوست خوب. الین می آید و من پاهایم را روی میز بلند می کنم. آیا این مسئله بزرگی است؟ نه. او مرا می شناسد، مشکلی نیست. سوال: رئیس جمهور ظاهر می شود، معامله بزرگ؟ بنابراین سوال: آیا مهم است، قد و قامت فرد در مورد نحوه برخورد شما؟ آیا به دوستان خود به همان روشی نزدیک می شوید که به کسی که رئیس شما است یا کسی که بسیار مهم است نزدیک می شوید؟ چگونه با رئیس جمهور ایالات متحده برخورد می کنید؟ آیا این حس وجود دارد که "او رئیس جمهور ایالات متحده است!" این حس احترام وجود دارد. بنابراین، چیزی که من می گویم این است که وقتی به خدا نزدیک می شوید، آیا چیزهای خاصی وجود دارد که خدا می گوید که برای او نفرت انگیز است و آیا چیزهای خاصی وجود دارد که خدا دوست دارد؟ در واقع من به مزمور 15 اشاره می کنم. آیا خدا شایعات را دوست دارد؟ نه، او این کار را نمی کند. پس غیبت می کنید و نزد خدا می آیید؟ خدا می گوید، "من این را دوست ندارم." آیا خدا افرادی را دوست دارد که عادل هستند، مهربان هستند، عادل هستند، منصف هستند و نسبت به فقرا دلسوز هستند؟ بله. آن افرادی که خدا دوست دارد. بنابراین کل این کتاب لاویان سپس توضیح می دهد که چگونه فرد به خدای مقدس نزدیک می شود. چیزهای خاصی وجود دارد که برای او نفرت انگیز است، برای او توهین آمیز است و برای او منزجر کننده است. مثل این است که با یک تی شرت خیس خیس به سراغش بیایید و بخواهید در آغوش بگیرید. این فقط در آن نقطه مناسب نیست زیرا شما در راه اشتباهی می آیید. بنابراین کتاب لاویان این رویکرد را توصیف می کند.

حالا، در اینجا راه دیگری برای نگاه کردن به تقریبا همان چیز وجود دارد: چه چیزی در زندگی سکولار است؟ بنزین ماشینم کم است. احتمالا یا فردا صبح در راه خانه می روم مقداری بنزین بخرم. سوال: وقتی برای خرید بنزین می روم سکولار است یا مقدس؟ خوب، این چیزی است که هست فقیر کننده است. اما آیا سکولار است یا مقدس؟ وقتی به پمپ بنزین می روم یک چیز سکولار است. احتمالا این آخر هفته می خواهم به باشگاه سام بروم و مقداری غذا بخرم زیرا پسرم برمی گردد و مثل اسب غذا می خورد. بنابراین من باید این همه غذا و چیزهای دیگر را بخرم. وقتی به باشگاه سام می روم آیا این سکولار است یا مقدس؟ این باز هم یک فعالیت سکولار است. من بیرون می روم خرید و همه این غذا را می خرم و به خانه می آورم. بنابراین، چه چیزی مقدس خواهد بود؟ آیا رفتن به کلیسا مقدس تر است؟ خواندن کتاب مقدس و دعا کردن آیا اینها چیزهای مقدس تری هستند؟ سوال من این است که وقتی همسر من به خرید می رود سکولار است یا مقدس؟ بله، در واقع معلوم می شود که بسیاری از شما به این سوال پاسخ داده اید و به عنوان یک پسر فقط باید به آن عادت کنید. این زمان مقدس است. اما به هر حال، مقدس رفتن به کلیسا، خواندن کتاب مقدس، دعا کردن و انجام آن کارها مقدس تلقی می شود. چیزی که کتاب لاویان به ما می گوید این است، و این یک پیام بزرگ از کتاب لاویان است، و این یک پیام مهم است، کتاب لاویان به ما می گوید که کل زندگی یک شخص، همه چیز ما این کار را می کنیم مقدس است. هر کاری که انجام می دهیم مقدس است. وقتی یهودیان برای غذا خوردن می نشستند، آیا مجبور بودند در انواع غذاهایی که می خوردند به خدا فکر می کردند؟ بله. وقتی یک زن اسرائیلی بچه دار می شود، آیا باید در داشتن آن فرزند به خدا فکر کند و چند روز نجس است؟ در واقع، حتی زمانی که مردم اسرائیل در بیابان هستند و برای تسکین خود می روند، آیا باید به خدا فکر کنند؟ آیا آنها می توانند در هر جایی خود را تسکین دهند؟ آیا خدا به آنها گفته است که باید بیرون از اردوگاه مرخص شوند و باید آن را دفن کنند؟ بله. بنابراین، تمام زندگی مقدس است. یکی از گفته های بزرگ دکتر ویلسون در اینجا این است – چند نفر از شما در اینجا تحصیلاتتان را مقدس می دانید؟ آیا می توان مطالعه کرد یا مطالعات خود را به عنوان چیزی کاملا سکولار انجام داد؟ آیا می توان حساب دیفرانسیل و انتگرال را مقدس کرد؟ آنچه دکتر ویلسون می گوید این است: "مطالعه بالاترین شکل پرستش است." به عبارت دیگر، آنچه او می گوید این است که تحصیلات خود را انجام دهید، آیا می توانید تحصیلات خود را به خدا ارائه دهید. آیا حتی مطالعه شما در ریاضیات یا زیست شناسی، شیمی، فیزیک، هر چیز دیگری، ادبیات را می توان به خدا تقدیم کرد؟ بنابراین تمام زندگی، و به ویژه مطالعه، بالاترین شکل پرستش است. تمام زندگی مقدس است، این پیام لاویان است. همه چیز خاص است. همه چیز مقدس است. هیچ تمایز سکولار-مقدسی در این وجود ندارد. لاویان می گوید که هر چه سکولار و مقدس است، آنها یکی هستند. تمام زندگی مقدس است و باید

در حضور خدا زندگی کرد.

F. موضوع قدوسیت در لاویان [29:21-23:58]

حال، قدوسیت به چه معناست؟ این آیه کلیدی در کتاب لاویان است. ممکن است به طور مبهم با این آیه آشنا باشید. "مقدس باشید زیرا من خداوند—" توجه کنید که چگونه این نوشته می شود. سرمایه L، پایتخت O سرمایه R، سرمایه D. اصطلاح عبری پشت این چیست؟ این یهوه یا یهوه است. ببینید چگونه همه چیز با حروف بزرگ نوشته شده است؟ پس این اصطلاح برای خداست. «از آنجا که من یهوه خدای شما هستم، یهوه هستم، یهوه خدای شما هستم.» خدا چه کلمه عبری خواهد بود؟ "الوهیم." با ارزش ترین نام خدا. او می گوید: "... زیرا من یهوه، خدای شما قدوس هستم." پس باید مقدس باشید زیرا خدا قدوس است. ما باید قدوسیت او را منعکس کنیم. اکنون اول پطرس 1: 15 در عهد جدید همان فرمان را بازتاب می دهد. به عبارت دیگر، این فقط یک مفهوم عهد عتیق نیست. اول پطرس همین را می گوید: «مقدس باشید» پس ما مسیحیان باید مقدس باشیم، «زیرا یهوه خدای ما قدوس است». بنابراین پیتر همان نوع چیزها را تکرار می کند.

حال، مقدس بودن به چه معناست؟ ایده ریشه ای قدوسیت، من این عبارت را در اینجا دوست دارم: کاملاً دیگر. چه قدوسیت یا قدوش به این معنی که خدا کاملاً متفاوت است، که خدا کاملاً متفاوت از هر چیزی است که شما تا به حال تجربه کرده اید. خدا متفاوت است. او کاملاً متفاوت از هر چیزی است که تا به حال در زندگی خود تجربه کرده اید. به هر حال، این به ما چه می گوید؟ وقتی واقعا خدا را ملاقات می کنیم، آیا همه ما شوکه خواهیم شد؟ وقتی خدا را ملاقات می کنیم، آیا همه ما کاملاً دیگری را ملاقات خواهیم کرد؟ به عبارت دیگر، هیچ چیز در این دنیا مانند خدا نیست. او کاملاً متفاوت است. تمام تخیلات ما، همه شگفتی های ما، خدا با هر چیزی که می توانیم تصور کنیم متفاوت است. ایده قدوسیت به معنای این ایده جدایی است. او متفاوت است. او جدا است. او از بقیه خلقت جدا است. هیچ چیز شبیه او نیست. او جدا است، او از خلقت متمایز است. خدا کاملاً منحصر به فرد است. او منحصر به فرد است - او در نوع خود بی نظیر است. در کل جهان فقط یک نفر مانند او وجود دارد. او خاص است. این ممکن است راه دیگری برای گفتن قدوسیت باشد، این است که بگوییم، "او" خاص است. قدوسیت، ساختن چیزی خاص، چیزی جداگانه، متمایز و منحصر به فرد است. اشعیا این را اینگونه می گوید. به هر حال، کتاب اشعیا نیز چیزهای زیادی در مورد مفهوم قدوسیت دارد. اشعیا این را می گوید: «مرا با چه کسی مقایسه می کنید؟» حالا اول از همه، این چه نوع سوالی است؟ آیا او منتظر پاسخی برای این سوال است؟ «مرا با چه کسی مقایسه می کنی؟» پاسخ چیست؟ آیا او یک پاسخ شناختی می خواهد؟ آیا این یک سوال بلاغی است؟ آیا یک سوال بلاغی انتظار پاسخ دارد؟ نه. پس او اینجا چه می کند؟ سؤال بلاغی بیانیه ای در لباس یک سوال است. او در اینجا چه می خواهد بگوید؟ «مرا با چه کسی مقایسه می کنی؟»

بیانیه ای که او در آنجا بیان می کند چیست؟ هیچ مانند خدا وجود ندارد. هیچ مانند خدا نیست؟ بنابراین این جمله در اینجا "مرا با چه کسی مقایسه می کنید؟" هیچ چیزی نیست که بتوانید او را با آن مقایسه کنید، هیچ نیست که بتوانید خدا را با او مقایسه کنید. یا "چه کسی برابر من است؟" [خدا همتای ندارد،] قدوس می گوید. محققان عهد عتیق این را «غیرقابل مقایسه بیهوده» می نامند. او کاملاً متفاوت از هر چیزی است که ما می دانیم. هیچ چیزی وجود ندارد که بتوانیم او را با آن مقایسه کنیم، او کاملاً متفاوت است.

شما باید ایده هایی را حفظ کنید - حالا، فکر کردم می خواهید راه دیگری را طی کنید. برخی از شما خواهند گفت، "خوب، ما می توانیم چیزی در مورد خدا بدانیم، زیرا به صورت خدا آفریده شده ایم، بنابراین چیزی در مورد خدا می دانیم." بسیار خوب، ما باید آن را کنار بگذاریم و بگوییم "بله، خدا عشق است." آیا می دانیم چگونه دوست داشته باشیم؟ بله، ما می دانیم چگونه دوست داشته باشیم. آیا شفقت را می شناسیم؟ بله، باشه. آیا ما عدالت، عدالت و این نوع چیزها را می دانیم؟ ما ایده هایی از این چیزها داریم، اما آنچه این می گوید فراتر از آن است. به عبارت دیگر، این دسته بندی ها خدایی را توصیف نمی کنند که فراتر از همه این چیزها است. بنابراین موضوع قدوسیت در مورد فراتر بودن خدا است. این بدان معنا نیست که کاملاً هیچ ارتباطی وجود ندارد. به عبارت دیگر، وقتی شروع به خواندن چنین بیانیه ای می کنید، او می گوید چون ما به شکل او آفریده شده ایم، چیزهایی وجود دارد که ما شبیه خدا هستیم و من فکر می کنم این چیزی است که لوئیس در آنجا به آن اشاره می کند. اما معنای دیگری وجود دارد که در آن، در حالی که ما از برخی جهات شبیه خدا هستیم، اما راه های دیگری نیز وجود دارد که او فراتر از هر چیزی است که ما تا به حال در زندگی تجربه کرده ایم. بنابراین، قدوسیت اشاره می کند که فراتر از بودن؟ بنابراین قدوسیت بر آن فراتر از بودن، دیگری بودن تمرکز می کند. این راه دیگری برای گفتن آن خواهد بود. بنابراین، این یک آیه زیبا در اشعیا است.

قدوسیت به معنای دوری نیست [29:22-31:52]

در اینجا یکی دیگر از اشعیا در مورد این ایده جدایی است. خدا جدا است، او از همه چیز متمایز است. اما آیا جدایی به معنای دوری است؟ این آیه را از اشعیا 57:15 بررسی کنید، این یک آیه زیبا است. می گوید: «زیرا این چیزی است که والامرتبه و والامرتبه می گوید.» بنابراین خدا خود را می نامد، "این چیزی است که خدای متعال و والامرتبه می گوید." او بلند است، او بلند است، و او آنجا است. "این چیزی است که والامرتبه و والامرتبه می گوید: کسی که تا ابد زندگی می کند" - به عبارت دیگر، ابدیت در هر دو جهت، "کسی که تا ابد زندگی می کند، نام او است،" چه؟ مقدس. "بسیار خوب، و این تمرکز در اینجا است. "نام او مقدس است." او کاملاً متفاوت است. او برای همیشه زندگی می کند. او والامقام و والا. او برای همیشه زندگی می کند. نام او "مقدس" است. او می گوید: "من در مکان بلند و

مقدس زندگی می‌کنم. "مکان مقدس جایی است که خدا در آن زندگی می‌کند. نام او مقدس است و او در مکان بلند و مقدس زندگی می‌کند، مکانی متمایز، جداگانه، خاص، منحصر به فرد. او می‌گوید: "من در این مکان مقدس زندگی می‌کنم." بنابراین شما این تصویر از این مرد را بالا می‌برید، بلند شده، مقدس و سپس آیه با این "اما" در اینجا می‌چرخد. زیباست. او می‌گوید، بسیار خوب، این خدای والا و قدوس، با چه کسی زندگی می‌کند؟ "اما همچنین با کسی که پشیمان و فرومایه در روح است." "پشیمان" به چه معناست؟ این به معنای "شکسته‌ها" است. خدا با چه کسی زندگی می‌کند؟ خدای والا و والا، آن قدوس که جدا است، که در این مکان بلند و مقدس زندگی می‌کند، با شکسته‌ها زندگی می‌کند. آیا نوبت را می‌بینید؟ شما این خدای قدوس را دریافت می‌کنید، به جای اینکه با همه کسانی که والامقام و مقدس هستند زندگی کنید، او با مردمی زندگی می‌کند که شکسته‌اند، پشیمان و فرومایه هستند. حالا، به هر حال، فرهنگ ما به ما چه می‌گوید؟ آیا باید خود را ارتقا دهید؟ شما باید اعتماد به نفس داشته باشید، باید خود را تبلیغ کنید، باید خود را برند کنید، باید خودتان را بشناسید. خدا با چه کسی زندگی می‌کند؟ با فروتن در روح، با فروتن - فروتن. با شکسته‌ها. دیدن این زیباست. پس قدوسیت خدا، آیا به این معنی است که او دور است؟ خدا با شکسته‌ها زندگی می‌کند. و این - من عاشق روشی هستم که این آیه از این والامرتبه و والامقام به کسانی که فرومایه هستند و با آنها زندگی می‌کند، تغییر می‌کند. این یکی دیگر از آیه‌های زیبایی اشعیا است.

ح. پاسخ به قدوسیت: ترس از خدا [37:54-31:53]

حال، در مورد قدوسیت چطور؟ آیا قدوسیت به این معنی است که ما باید از او بترسیم؟ وقتی قدوسیت خدا می‌آید، آیا این ترس وجود دارد؟ به هر حال، کتاب مقدس چه می‌گوید؟ "ترس از خدا آغاز خرد است." اما بسیاری از ما آموخته‌ایم که ترس از خدا در واقع به معنای "ترس" از خدا نیست، بلکه به معنای احترام به خدا است، که خدا عالی است و ترس از خدا در واقع به معنای "ترس" نیست، بلکه به معنای "احترام" است. فقط می‌خواهم به شما بگویم که ترس از خدا به معنای "ترس از خدا" است - وحشت از خدا. حالا راستی، آیا مفهوم ترس از خدا به معنای احترام و احترام نیز است؟ بله، همینطور است. همچنین به معنای اطاعت است. در واقع، من روی این مفهوم کار کرده‌ام. در واقع من در نوامبر گذشته مقاله‌ای در مورد ترس از خدا نوشتم. اکنون آنلاین است. این یک مفهوم جالب است. بخشی از ترس از خدا این مفهوم ترس است. چند نفر از شما می‌ترسید - آیا افراد خاصی وجود دارند که باعث ترس می‌شوند؟ شما در حال حرکت در جاده هستید، ناگهان مرد پشت سر شما می‌ایستد. او مجموعه‌ای از چراغ‌ها را در بالای ماشینش دارد و شما هیچ سرنخی ندارید که با چه سرعتی حرکت می‌کردید.

سوال: ترس؟

من آخر هفته گذشته این را تجربه کردم. پسر من از فرودگاه لوگان به دنور پرواز می کرد تا پسر دیگر را ببیند و آنها قصد دارند به شکار گوزن بروند. بنابراین من یک اسلحه 30-06 دارم و در یک کیس است. بنابراین من و پسر من پایین رفتیم و او را پایین آوردیم. هواپیمای او ساعت نه و بیست بود، بنابراین ما حدود ساعت هشت و نیم یا بیشتر آنجا بودیم. من و پسر من بالا می رویم و جعبه اسلحه ام را می برم و او بیرون می رود و بنابراین او یک اسلحه برای پسر دیگر در دنور دارد که همه گوزن ها را جستجو کرده است. ما کیف اسلحه را می گذاریم و آنها چمدان ها را بررسی می کنند. بنابراین این کار انجام خواهد شد. ظاهراً باید اعلام کنید که با اسلحه پرواز می کنید، حتی اگر آن را بررسی کنید. و من، صادقانه بگویم، قوانین را نمی دانستم و پسر من نیز قوانین را نمی دانست. بنابراین آنها جعبه اسلحه و چیزهای دیگر را گرفتند و سپس من و همسر من به خانه رفتیم. بنابراین او قرار بود سوار هواپیمای خود شود. ناگهان حدود ساعت نه با پسر من تماس تلفنی دریافت کردیم که می گفت: "بابا، چطور می توانی این پرونده را باز کنی؟ آنها از من می خواهند که این پرونده را باز کنم." گفت: منظور این است که این پرونده را باز کن؟ او گفت که آنها او را درست قبل از اینکه قرار است پرواز کند کنار کشیدند. آنها او را به کناری کشیدند و مجبور کردند پرونده را باز کند. من گفتم، "خوب، من کلید آن را به شما دادم." او گفت: "بله، اما کلید کار نمی کند." و بنابراین من به او گفتم که یک چیز خاص وجود دارد که در آن شما باید میمون را با کلید بدانید. بنابراین من او را گرفتم میمون با کلید آنها و او گفت، "بسیار خوب، من آن را گرفتم، من آن را گرفتم." بنابراین او تلفن را قطع می کند. حدود ده دقیقه بعد دوباره تماس می گیرد و می گوید: «باشه، حالا چطور می توانم قفل این چیز؟» و من می گویم، "بسیار خوب، شما به عقب برگردید و باید در راه درست قرار بگیرید و باید کمی آن را احساس کنید." و من گفتم، "دنده را نخورید وگرنه کارتان تمام است." پس ناگهان می رود و دوباره تماس می گیرد.

در همین حال، همسر من وحشت زده است زیرا متوجه می شود که او به دلیل پرواز با اسلحه بدون اعلام آن کنار کشیده شده است. این یک جنایت است. این یک جنایت فدرال است. همسر من وحشت زده است و گریه می کند و گریه می کند و این است: "باورم نمی شود که بدون آن اجازه دهید او برود. تو به پسر ننگتی!" گفتم: "من نمی دانستم که قرار است آن را اعلام کنید!" در همین حال، پسر دیگر تماس می گیرد و شروع به جیغ زدن می کند (او در زندگی اش هرگز سر من فریاد نزد)، او می گوید: "بابا، باورت نمی شود... به هر حال، او به سمت من می رود و می گوید: "بهتر است دمت را پایین بیاوری! پسر شما در حال حاضر به زندان کشیده می شود و به کمک شما نیاز دارد! بهتر است به آنجا برگردی." گفتم، "باشه، باشه، بهتر است برگردم اونجا."

در همین حال، زک سپس با دخترم که با یک وکیل ارشد ازدواج کرده است تماس می گیرد و دامادم که وکیل است به زک می گوید که دوستی را می شناسد که بدون اعلام اسلحه اش اسلحه حمل می

کرد و او را به مدت دو سال در زندان انداختند. مردی که به زندان انداخته شد وکیل بود. بنابراین اکنون، ناگهان سوار ماشین می شویم، به آنجا می رویم و رابرت تماس می گیرد. او یک دوست وکیل خوب در بوستون دارد و ساعت 11 شب است و او می گوید: "این هزاران دلار برای شما هزینه خواهد داشت و او هنوز هم ممکن است در زندان بیفتد، زیرا مطمئن نیستم که بتوانم این کار را انجام دهم." بنابراین او با دوست وکیل خود تماس می گیرد. ما به آنجا می رویم. سوال: آیا ترس در من وجود داشت؟ من به آنجا می روم و متوجه می شوم که این اسلحه من است. آیا ممکن است "پروفسور کالج گوردون به دلیل دادن سلاح غیرمجاز به پسرش در زندان نشسته است." من فکر می کنم، "من هفت ماه برای این بچه دعا کردم، زمانی که او در افغانستان بود و هر روز به او شلیک می شد. خدا او را به آمریکا برمی گرداند و وقتی به آمریکا برمی گردد، او را به زندان می اندازند!" بنابراین، من وحشت می کنم و پایین می روم. اما سوال: آیا ترس وجود داشت؟ حالا، سوال: آیا ترس از قانون وجود داشت؟ از پلیس؟ آیا تا به حال از پلیس ترسیده اید؟ بنابراین ترس واقعی وجود داشت. بنابراین حالا، شما می گوید که این به این معنی نیست که با خدا... پلیس می تواند مرا به زندان بیندازد. آیا خدا قدرت انجام کارهای دیگری فراتر از آن را دارد؟ بنابراین تنها چیزی که من می گویم ترس از خدا است، شما باید در مورد آن فکر کنید. من می دانم که ما در یک فرهنگ "بدون ترس" هستیم اما چیزی که می گویم این است که شما باید در مورد آن فکر کنید.

به هر حال، من در واقع مردی را ملاقات کردم که با پسر م صاحبه کرد. من به آنجا آمدم و گفتم، "ببخشید، آیا کسی اینجا می تواند به من بگوید که آیا الیوت هیلدبرانت سوار هواپیما به دنور شده است یا خیر؟" و آن مرد می خواست آن را در دستگاه مشیت کند. مرد دیگری در گوشه ای لگد زد. او می گوید: "بله، او در هواپیمای خود است." سپس گفتم، "از کجا او را می شناسید؟" گفتم: "همه افراد موجود در لیست هواپیما یا چیزی شبیه به آن را حفظ کردید؟" و من فقط با آن مرد شوخی می کردم زیرا می خواستم این موضوع را سبک جلوه دهم زیرا واقعا جدی بود. او می گوید: "نه، نه، من فقط نام آن بچه هایی را می دانم که سعی می کنند سلاح گرم حمل کنند." خوب، پس من فقط عقب نشینی کردم. آیا او راه خود را برای خروج از آن صحبت کرد؟ ظاهرا او راه خود را برای خروج از آن صحبت کرد و آن مرد به او استراحت داد. او الیوت را گزارش نکرد زیرا در غیر این صورت واقعا جدی بود. بنابراین سوال: من به عنوان یک والدین، می دانم که دیگر هرگز این کار را انجام ندهم.

من. پاسخ های قدوسیت: پاکیزگی از گناه [39:01-37:55]

بنابراین، ترس و ترس از خدا وجود دارد. اشعیا در برابر خدا ایستاده است و خدا در آسمان است و این فرشتگان به دور خدا بال می زنند و می گویند، چه؟ "قدوس، قدوس، مقدس، خداوند متعال است." اشعیا به خدای قدوس نگاه می کند و این موجودات سرافیم و کروی را می بیند که با شش بال

تکان می خورند و می گویند "قدوس، مقدس، مقدس" و چه اتفاقی می افتد؟ اشعیا چه احساسی دارد؟ "من یک مرد هستم" چه؟ «لبهای نجس و در میان مردمی از لب های ناپاک ساکن شوید.» او شرم خود را در برابر حضور خدای مقدس احساس می کند. اما فرشته سپس یک زغال داغ می گیرد و آن را روی لب هایش می گذارد و او را می سوزاند و پاک می کند و می گوید: "اشعیا، تو مرد من هستی." این اشعیا 6 است، این ندای اشعیا است که در آن فرشته می گوید - و خدا اساسا می آید و به اشعیا می گوید، "تو برای این خدای قدوس که دیدی صحبت خواهی کرد. تو یک پیامبر خواهی بود، اشعیا، و می خواهی کلام خدا را بگویی." بنابراین بسیاری از کتاب اشعیا در مورد قدوسیت به این دلیل است که اشعیا خدا را در قدوسیت خود دید و سپس این تنش بین خود و خدا را با قدوسیت خود احساس کرد.

J. قدوسیت به سمت انتخاب یک قوم خاص حرکت می کند [39:54-39:02]

پس قدوسیت خدا، او مقدس است، او خاص است، او منحصر به فرد است. او برای انتخاب و مقدس کردن مردم حرکت می کند. بنابراین قدوسیت خدا او را به انتخاب یک قوم سوق می دهد و او در اینجا در خروج 19: 6 می گوید، "شما برای من پادشاهی کاهنان خواهید بود،" کل ملت - پادشاهی کاهنان، "و یک ملت مقدس." از بین تمام ملت های روی زمین، اسرائیل خاص بود. اسرائیل منحصر به فرد بود، اسرائیل برای خدا جدا و خاص بود. یک ملت مقدس، جدا از تمام ملت های دیگر زمین. از طریق آن ملت است که خدا پسرش را می فرستد. بنابراین قدوسیت خدا برای انتخاب و مقدس ساختن مردم حرکت می کند.

K. مقدس ساختن چیزها: شنبه [42:03-39:55]

اکنون، می تواند ما چیزی مقدس بسازید؟ حالا این کمی عجیب است، اما فقط مرا دنبال کنید. می توانید ما چیزی مقدس بسازید؟ پاسخ این است: بله. به یاد داشته باشید که ده فرمان به ما می گوید، "روز سبت را به یاد بیاورید" تا چه کاری انجام دهیم؟ "برای مقدس نگه داشتن آن." روز سبت چگونه مقدس بود؟ آیا روز سبت روز خاصی است؟ آیا قرار است این روز سبت را گرامی بگذاریم تا آن را خاص کنیم؟ ما این کار را نمی کنیم، در روز سبت چطور؟ کار. شما یک یهودی عهد عتیق هستید. شما در روز سبت کار نمی کنید. به هر حال، سبت کی است؟ برای یهودیان شنبه است؟ سبت چه زمانی شروع می شود؟ جمعه شب که خورشید غروب می کند. اکثر خانواده های یهودی، وقتی خورشید غروب می کند، خانواده یهودی شام شنبه را به عنوان یک خانواده با هم می خورند و آن زمان است که آن را به عنوان یک خانواده جشن می گیرند. آنها معمولا جمعه شب که خورشید غروب می کند و خانواده شام می خورند، شام می خورند. آنها آن را شام شنبه می نامند. سبت چه زمانی به پایان می رسد؟ جمعه شب از غروب خورشید شروع می شود و تا چه زمانی؟ شنبه شب آفتاب غروب کنید. یهودیان شنبه شب پس از غروب خورشید چه می کنند؟ آنها مهمانی می گیرند! خورشید غروب می کند، سبت تمام می شود. شنبه شب

خورشید غروب می کند و همه در خیابان ها هستند. اگر روزی در اورشلیم باشید، باید به کیکار صهیون [میدان صهیون] بروید و ده هزار، حداقل ده هزار یهودی را خواهید دید که در همه جا ازدحام کرده اند. همه اوقات خوبی را سپری می کنند و همه در خیابان ها می رقصند، مهمانی می گیرند و پایین می آیند. و این در کیکار صهیون است، آنها آن را "میدان صهیون" می نامند. بنابراین به هر حال، این روز سبت است. بنابراین شنبه شب که خورشید غروب می کند، بوم، سپس درب آن بسته می شود و آنها خوش می گذرانند، کار نمی کنید.

L. تقدیس و قدوسیت [43:35-42:04]

حالا، شما می توانید چیزی را تقدیس کنید. آیا کسی لاتین می کند؟ بخش اول این، آیا این کلمه "مقدس" را می بینید؟ کلمه "مقدس" دیگری که می دانید چیست؟ Sancti کلمه لاتین به معنای "مقدس" است. "مقدس" دیگری که می دانید چیست؟ پناهگاه. اگر بگویم پناهگاه، آیا پناهگاه مکان مقدسی است که برای عبادت به آنجا می رویم؟ به هر حال، بگذارید این را بگویم: در مورد پناهگاه پرندگان چطور؟ آیا تا به حال نام پناهگاه پرندگان را شنیده اید؟ آیا پناهگاه پرندگان مکانی است که برای پرندگان خاص است؟ بله، بنابراین ایده پناهگاه مکان خاصی برای پرندگان در این مورد است. [دانش آموز سوالی می پرسد] یهودیان این کار را در روز شنبه انجام می دهند زیرا این روز هفتم است. اساساً توسط مسیحیان اولیه که در واقع سبت را جشن می گرفتند به یکشنبه منتقل شد زیرا آنها یهودی بودند. رسولان همگی یهودی بودند، عیسی یهودی بود. آنها سبت را جشن می گیرند — هنگامی که عیسی از مردگان برخاست، آنها به جشن گرفتن روز هفتم، روز ویژه ای برای جشن گرفتن رستاخیز مسیح در روز یکشنبه در اولین روز هفته، روی آوردند. همچنین احتمالاً تنش هایی بین مردم یهودی و مسیحی وجود داشت و به همین دلیل آنها به دلیل رستاخیز آن را به یکشنبه منتقل کردند. برخی از مردم هم شنبه و هم یکشنبه را جشن می گیرند. اما تا حد زیادی رستاخیز بود، زیرا رستاخیز در روز یکشنبه بود، کلیسا روز خاص ما را برای جشن گرفتن رستاخیز عیسی منتقل کرد. سوال خوبی است.

M. روغن مقدس [46:40-43:36]

پس تقدیس چیزی به معنای «جدا کردن آن» است. برای متمایز کردن آن به عنوان چیزی خاص و اینها چیزهای خاصی هستند که باید مقدس کنید. "چگونه چیزی را مقدس می سازید؟" چه نوع چیزهایی می توانند مقدس باشند؟ روغن مقدس وجود دارد. حالا وقتی کتاب مقدس می گوید "روغن"، به چه نوع روغنی می رسد؟ من شنیدم که یک واعظ یک بار بلند شد و گفت "آشر پایش را در روغن فرو می برد" و این بدان معناست که قبیله آشر زیر آن نفت دارد و آنها نیاز به حفاری نفت داشتند زیرا کتاب مقدس می گوید که آنجا نفت وجود دارد. می گوید: "آشر پایش را در روغن فرو خواهد برد." آیا این کاملاً ساختگی است؟ کاملاً، کاملاً، دیوانه. هر زمان که کتاب مقدس به روغن اشاره می کند، به روغن

ماشین با وزن 10-20 یا 10-30 اشاره نمی کند. این در مورد روغن زیتون صحبت می کند. آنها همه کارها را با روغن زیتون انجام می دهند. آنها با روغن زیتون آشپزی می کنند. آنها زیتون می گیرند، آنها را فشار می دهند، روغن زیتون درست می کند. آنها همه کارها را آنجا با روغن زیتون انجام می دهند. به هر حال، با نان واقعا خوب است. روغن یک ماده مقدس است. آنها با روغن چه می کنند؟ آنها به کسی روغن می زنند، یعنی روی سر کسی روغن می ریزند. ما به آن چه می گوئیم؟ Anointing. حال اصطلاح عبری برای گرفتن این ماده مقدس روغن و تعیین کسی به عنوان مقدس چیست؟ به این فرآیند گرفتن نفت و گذاشتن آن روی سر کسی چه می گوئیم؟ شما می گوئید که ما آن را "مسح کردن" می نامیم، اما اصطلاح عبری برای آن چیست؟ همه شما این را می دانید. من آن را می گویم. به آن مسیح می گویند. "شما یک نفر را روغن می زنید." شما آنها را مسیح موعود می دانید. آیا می توانید کلمه را بشنوید؟ این کلمه است مسیح. اصطلاح "مسیح" در واقع از مسیح موعود گرفته شده است - مسیح موعود روغن کاری شده است. بنابراین، به عنوان مثال، چه کسی در آن فرهنگ روغن کاری شده بود؟ آیا کاهنان روغن زده می شوند یا با روغن مسح می شوند؟ آیا پادشاهان؟ آیا کسی شائل را به یاد دارد؟ شما هنوز آن قسمت را نخوانده اید، اما شائل و داوود به عنوان پادشاهان اسرائیل با روغن مسح شدند. بنابراین پادشاهان مسح می شوند. پس مسیح موعود روغن کاری شده است. چگونه روغنی وارد عهد جدید می شود؟ عهد جدید به زبان یونانی. آیا می دانید کلمه یونانی "روغنی" چیست؟ "کریستوس." آیا کسی این را می شنود؟ عیسی، چی؟ عیسی مسیح. شما فکر می کردید این نام خانوادگی او است. نه، "عیسی مسیح" نام خانوادگی او نیست. عیسی، چه؟ عیسی، مسح شده. عیسی، روغنی شده. بنابراین از روغن زیتون استفاده می شود. وقتی می خواهید چیزی مقدس بسازید، آن را با روغن مسح می کنید. بنابراین روغن این ماده خاص است.

N. بخور مقدس [46:57-46:41]

بخور دادن چیز دیگری است که واقعا بسیار مقدس است. آنها در یک زمینه واقعا مقدس بخور می سوزانید و عطر هوا را پر می کرد و یک بخور خاص و مقدس وجود داشت. بنابراین این دو چیز هستند که در زمینه های مختلف مقدس تلقی می شدند.

A. اماکن مقدس [51:35-46:58]

اکنون مکان های مقدسی وجود دارد. یادت هست؟ موسی بالا می رود، او می بیند که این بوته در حال سوختن است، بنابراین موسی می گوید: "وای! به آن نگاه کنید! این بوته در آنجا نور روز را می سوزاند!" او بالا می رود و می گوید: "بوته نمی سوزد." بنابراین او بالا می رود، نگاهی می اندازد و ناگهان وقتی یک قدم به جلو برمی دارد چه اتفاقی می افتد؟ بوته چه می گوید؟ ماموریت انجام شد! بوته می گوید: «کفش هایت را در بیاور. شما در زمین مقدس هستید.» پس آیا آن مکان مقدس بود؟ چرا آن

مکان مقدس بود؟ بوته ای بود که آتش گرفته بود. چرا آن مکان مقدس بود؟ مکان خاصی بود زیرا حضور خدا آنجا بود. موسی نزدیک می شود و مشکل این رویکرد چیست؟ شما خیلی نزدیک می شوید. کفش های خود را در بیاور. این زمین مقدس است. آیا برخی از ادیان حتی تا به امروز با درآوردن کفش های خود احساس قدوسیت خود را ابراز می کنند؟ بنابراین این زمین مقدس آنجا است.

قدس الاقداس حالا این به چه معناست - "قدس مقدسات"؟ اگر به شما بگویم "آواز آوازاها" منظورم به چیست؟ آواز سلیمان، اما به آن "آواز آوازاها" می گویند. وقتی مردم یهود "غزل سرودها" را جمع می گویند، منظور آنها این است که این بهترین آهنگ تاریخ است. این راهی برای انجام کارهای برتر برای آنها است. آهنگ آهنگ ها به معنای بهترین آهنگ مطلق است. پس وقتی می گویند قدس الاقداس این به چه معناست؟ این مقدس ترین مکان است. این به این دلیل است که آن آهنگ بهترین آهنگ تاریخ است، بنابراین این مقدس ترین مکان تاریخ است. قدس الاقداس مقدس ترین مکان است. بنابراین این راهی برای آنها است که بهترین، مقدس ترین یا مقدس ترین را بگویند. مانند اینکه ما از "est-" در انتهای یک کلمه استفاده می کنیم تا آن را به "ترین" تبدیل کنیم.

"خداوند در معبد مقدس خود است. بگذار تمام زمین در حضور او ساکت باشد." خداوند در معبد مقدس خود است. چرا معبد مقدس است؟ زیرا حضور او آنجاست. سپس حضور او آن مکان را مقدس می کند. بگذارید فقط آنچه را که او گفت، روایت کنم. دقیقاً درست است. در روز کفاره، سالی یک بار به قدس الاقداس می رفتند. آنها آنقدر می ترسیدند که اتفاقی برای کاهن اعظم بیفتد، آنها اساساً طنابی را به دور او و سپس یک زنگ می بستند. و اگر او در آن زمان پایین می رفت - خوب مشکل این است که آنها پایین رفتند زیرا خالص نبودند. کشیش های دیگر وارد می شوند و چه اتفاقی برای آنها می افتد؟ آنها هم پایین می روند. بنابراین برای دور زدن مشکل طنابی روی او گذاشتند تا اگر پایین بیایند بتوانند او را بیرون بکشند. پس این برای خیمه قدس الاقداس خواهد بود. اکنون آنچه تا کنون در اینجا داریم، قدس الاقداس را در خیمه داشتیم. خیمه ای که آنها در این چادر حرکت می کنند که ما به آن نگاه کردیم. در نهایت قدس الاقداس می آید تا در معبد ساکن شود و شما آن را در پشت پرده معبد خواهید داشت.

به هر حال، همه شما گفتید "کوه مقدس". کوه مقدس چیست؟ نام کوهی که خدا آن را "کوه مقدس من" می نامد چیست؟ این چه کوهی است؟ کوه صهیون. آیا کسی تا به حال در مورد آن شنیده است؟ کوه صهیون، در اورشلیم، کوه معبد است. خدا آن را "کوه مقدس من" می نامد. به هر حال، بگذارید یک کار دیگر انجام دهم، فقط از ذهنم. آیا شما کوه سینا را به یاد دارید؟ شما بچه ها خروج 32 را خوانده اید. لرزش کوه را به خاطر دارید؟ حضور خدا بر کوه بود. آیا قوم خدا به آنها اجازه داده شده بود که روی آن کوه بروند یا به آنها گفته شده بود که از آن دوری کنند؟ کل کوه مقدس شد. حضور خدا آنجا بود. موسی می تواند بالا برود. مردم از کوه دور می مانند. حیوانات نیز باید از کوه دور می مانند. بنابراین حضور

خدا در یک مکان آن را مقدس می کند. آیا برخی از شما مکان هایی را تجربه کرده اید که مکان های خاصی برای شما هستند که در آن با خدا ملاقات کرده اید؟ اینها مکان های خاصی هستند. من می خواهم آن مکان های مقدس را بنامم. آنها مکان های خاصی هستند که در آن با خدا ملاقات کرده اید. مکان های مختلف و چیزهای مختلف مقدس هستند.

P. روزهای مقدس [روزهای مقدس] [53:08-51:36]

سپس در اینجا چند چیز دیگر وجود دارد که مقدس هستند. اگر این را سه بار سریع بگویید، چه چیزی به دست می آورید؟ "روزهای مقدس". روزهای مقدس به چه چیزی تبدیل می شود؟ تعطیلات. این چیزی است که ما آن را تعطیلات می نامیم. "y" به "i" تغییر می کند (به هر حال، تغییر "y" به "i" از نظر زبانی مسئله مهمی نیست). تعطیلات ماست - روزهای مقدس. روز مقدس چیست؟ سبت است. همانطور که گفتیم سبت را در شب جمعه جشن می گیرند که سبت را آغاز می کند. آنها شام خانوادگی می خورند و سپس سبت را بدون کار جشن می گیرند. سپس شنبه شب سبت به پایان می رسد. کتاب مقدس می گوید، "روز سبت را به یاد بیاورید و آن را مقدس نگه دارید." بنابراین سبت نکته مهمی است. یهودیان یک سری اعیاد خواهند داشت و به هر حال، آیا اعیاد در لایوان فهرست می شوند؟ آیا جشن ها برای کشیش ها مهم خواهند بود؟ آیا کشیش ها باید در جشن ها شرکت کنند؟ بله، بنابراین کتاب لایوان قرار است اعیاد را به تفصیل مرور کند زیرا کاهنان و لایوان در این اعیاد شرکت می کنند. این فصل 23 لایوان خواهد بود. پس اینها روزهای مقدس هستند. زمان های خاصی وجود دارد. آیا امروز اوقات مقدسی وجود دارد؟ آیا برخی از شما اوقات خاصی دارید که با خدا ملاقات می کنید؟ بنابراین من می گویم زمان و سپس ما به فضا نگاه کردیم. بنابراین زمان و مکان در حضور خداوند تجربه می شود و آن زمان و آن فضا مقدس می شوند.

س. نقض قدوسیت: ناداب و ابیهو [54:49-53:09]

حال، وقتی چیزهای مقدس نقض می شوند چه اتفاقی می افتد؟ آیا این دو نفر را به یاد دارید، ناداب و ابیهو؟ آنها بچه های چه کسی بودند؟ بله، اینها دو پسر هارون هستند. آیا آنها آتش غیرمجاز را در حضور خداوند در لایوان فصل 10 تقدیم کردند؟ چه اتفاقی برای آنها می افتد؟ آنها مصرف می شوند و نابود می شوند. بنابراین این دو مرد، بچه های آرون، یک شلیک غیرمجاز ارائه می دهند. آنها در حضور خداوند کشته می شوند. آنها قدوسیت خدا را نقض می کنند و قدوسیت خدا آنها را می بلعد. به هر حال، آیا فکر می کنید این موضوع آرون را خیلی تحت تأثیر قرار داد؟ وقتی هارون به آنجا می رود، فکر می کنید هارون به آنجا رفت و گفت، "هی، من کاهن اعظم هستم، بنابراین این بچه ها نمی دانستند چه کار می کنند. بنابراین من الان اینجا هستم." آیا فکر می کنید آرون اینطور وارد شد؟ یا هارون می گفت، "وواه." بنابراین آیا تغییر نگرشی را که اتفاق می افتاد می بینید؟ اینها هم بچه های آرون بودند. آیا در

فرهنگ ما همیشه فرصت دومی داریم؟ عواقب آن هرگز واقعا بر ما تأثیر نمی گذارد زیرا کسی می آید تا ما را نجات دهد. بنابراین عواقب آن بر عهده این بچه ها است که هیچ شانس دومی ندارند. من فکر می کنم شما باید در مورد آن فکر کنید. عواقب آن اتفاق می افتد. خدا همیشه با فیض و شفقت در رنج طولانی حرکت نمی کند، به این معنی که هیچ عواقبی برای هیچ چیز وجود ندارد. اینجا با ناداب و ابیهو در لایوان فصل 10 بسیار قوی است.

R. نقض قدوسیت خدا: عزه [56:51-54:50]

در اینجا یکی دیگر است که آن هم دشوار است. این یکی برای داوود، داوود پادشاه دشوار بود. دیوید اینجا چه می کرد؟ نام این مرد عوزه است. صندوق خدا با فلسطینی ها بیرون رفته بود. صندوق خدا با فلسطینیان از جایی به جای دیگر می رفت. فلسطینی ها در حال کشته شدن بودند، بنابراین می گویند: "ما باید این صندوق را به یهودیان برگردانیم." بنابراین کشتی به قلمرو یهودیان باز می گردد. سپس داوود اورشلیم را پایتخت خود می کند و می خواهد صندوق خدا را به پایتخت سیاسی خود بیاورد. بنابراین اورشلیم پایتخت مذهبی و همچنین پایتخت سیاسی خواهد بود. بنابراین داوود اورشلیم را تسخیر می کند. قبلا متعلق به یبوسیان بود. داوود کسی بود که اورشلیم را تصرف کرد و به همین دلیل است که آن را شهر داوود می نامند. بنابراین داوود اکنون سعی می کند کشتی را به اورشلیم بیاورد. آنها آن را روی گاری گذاشتند. گاری داره بالا میرود. به نوعی شبیه نیوانگلند است، همه جا صخره وجود دارد. بنابراین اتفاقی که می افتد این است که گاری به صخره ای برخورد می کند و کشتی از این گاری پرواز می کند. عزه چه می کند؟ عزه دستانش را دراز می کند تا کشتی را تثبیت کند. او کشتی را لمس می کند. وقتی کشتی را لمس می کنید مشکل چیست؟ رونق، او مرده است. همه شما این را از ایندیانا جونز می دانید: شما کشتی را باز می کنید و چه اتفاقی می افتد؟ صورت همه ذوب می شود. به هر حال، آیا این دیوید را ترساند؟ داوود چه گفت؟ داوود کشتی را به اورشلیم می آورد ناگهان عزه مرده است و او آن را "پرز عوزه" می نامد - "شکستن عوزا". داوود می گوید: "وای، کشتی را آنجا نگه دارید." پس از آن داوود کشتی را در آن زمان بالا نیاورد اما بعدا خواهد آورد. دفعه بعد که آن را بالا می آورند، آن را بر شانه های کاهنان می آورند، آن را بالا می برند، و هر هفت قدم تا اورشلیم قربانی می کنند. سپس داوود با تمام قوا در برابر خداوند می رقصد، بعدا به آن خواهیم پرداخت. اما این آوردن صندوق خداوند به اورشلیم، عوزه، قدوسیت خدا را نقض کرد و او می میرد.

S. نقض قدوسیت: پادشاه عزیا [57:59-56:52]

در اینجا موردی وجود دارد که احتمالا از آن آگاه نیستید. این پادشاه عزیا از دوم تواریخ فصل 26 است. عزیا فکر می کرد که او چیز بزرگی است. بنابراین عزیا پادشاه است و او به همه نشان می دهد که او پادشاه بزرگ است. او می گوید، "هی، من می خواهم خودم بخور بخورم. من به کشیش نیاز

ندارم. من می توانم خودم این کار را انجام دهم." کشیش ها می گویند، "عزیا، این کار را نکن! عزیا! این کار را نکنید! عقب نشینی کن، عزیا!" عزیا می گوید: «من پادشاه هستم. من به آنجا می روم." او به آنجا می رود و می رود تا کار بخور بخور دهد و چه اتفاقی برای دستش می افتد؟ ناگهان *ssshhhhhhooom*! آن مرد جذام می گیرد و با جذام پوشانده شده است. به هر حال، وقتی جذام دارید، پاک هستید یا ناپاک؟ ناپاک. بنابراین ناگهان کشیش ها او را با عجله از آنجا بیرون می کنند. به هر حال، عزیا تا آخر عمر جذام دارد و به دلیل نقض دوباره آن فضای مقدس، تا آخر عمر به عنوان یک جذامی زندگی می کند. بنابراین این سه نمونه از افرادی است که آن قدوسیت را نقض می کنند و شما می توانید نوع واکنشی را که در آنجا دریافت می کنید ببینید.

ت. تقدیس چیزهای مقدس [59:37-58:00]

حال، چگونه چیزها مقدس می شوند؟ چیزها تعیین شده اند یا آنچه را مقدس می نامند. "Sancti" کلمه لاتین "مقدس" است. "Sancti" کلمه لاتین است که در "پناهگاه" دیده می شود. آیا کسی تا به حال در مورد مطالعه تقدیس شنیده است؟ مطالعه تقدیس چیست؟ مطالعه مقدس شدن. به هر حال، آیا کسی در جنبش تقدس است؟ در زمان من آنها غلتک های مقدس داشتند. بنابراین شما اساسا چیزی را برای یک هدف خاص جدا می کنید. شما تقدیس می کنید، آن را تعیین می کنید، اغلب اوقات با نفت. گیربکس چگونه پیش می رود؟ انتقال معمولاً از طریق لمس انجام می شود. شما کسی را با روغن مسح می کنید. آیا کسی تا به حال عبارت "دست گذاشتن" را شنیده است؟ وقتی یک کشیش یا یک ارشد در کلیسای خود یا یک مبلغ مذهبی را تعیین می کنید، آیا هیچ یک از شما این کار را با یک مبلغ انجام داده اید؟ آنها می آیند و روی شما دست می گذارند. قرار است با گذاشتن دست ها از طریق لمس، شما این شخص را به عنوان یک فرد خاص تعیین می کنید که قرار است یک مبلغ به یک مکان خاص تبدیل شود. شما آن شخص را به عنوان فردی خاص تعیین می کنید که به آن هدف اختصاص داده شده است. بنابراین معمولاً از طریق لمس و معمولاً از طریق روغن است. قدوسیت معمولاً لمس و روغن است، مسح شده است. شما شخص را مسح می کنید، محراب را لمس می کنید و محراب مقدس است.

عیسی و قدوسیت [62:59-59:38]

حالا، در اینجا یک داستان واقعا جالب با عیسی وجود دارد، در متی 9: 20، و این در برخی از انجیل های دیگر نیز رخ می دهد. عیسی در میان جمعیتی قدم می زند. این همه جمعیت همیشه در اطراف عیسی هستند. "به من غذا بده! به من غذا بده!" به هر حال، همه این جمعیت در اطراف عیسی هستند. سوال: وقتی چنین جمعیتی با شما مواجه می شوید، آیا مردم مردم را هل می دهند؟ می دانید، مردم را لمس کنید؟ منظورم این است که ما به یک بازی بسکتبال در سلتیکس رفتیم و بچه ها به آنجا می دویدند. یک نفر بود که بیرون آمد. سوال: آیا همه سعی می کردند او را لمس کنند؟ همه سعی می کردند او را

لمس کنند. این دست او را لمس کرد. عرق مایکل جردن روی دستم بود. من هرگز آن را نمی شوم. این حقیقت صادقانه است. انجام دادم. پسر مرا مجبور کرد این کار را انجام دهم، اما به هر حال، او به آنجا رفت... بنابراین، ما مایکل را انجام دادیم! من او را گرفتم! مایکل جردن - دیگر هرگز آن دست را نمی شویم؟ آن دست را بشوید. همه عیسی را هل می دهند. عیسی در میان جمعیت می ایستد و می گوید، "هی، چه کسی مرا لمس کرد؟ چه کسی مرا لمس کرد؟" شاگردان می گویند، "بیا عیسی! شما همه این افراد را اینجا دارید!" "چه کسی مرا لمس کرد؟" می دانید، عیسی این است، "چه کسی مرا لمس کرد؟" صدها نفر هستند که شما را هل می دهند و شما را لمس می کنند. "اما عیسی می گوید، "نه، کسی مرا لمس کرد." حالا سوال: شما می توانید شاگردان را ببینید، گاهی اوقات آنها فقط آن مرد را درک نمی کنند. بنابراین او برمی گردد. کسی او را لمس کرد، اتفاقی افتاده است؟ اتفاقی افتاد. او برمی گردد و زنی پشت سرش است.

زن مشکل خون دارد. حالا لایوان را خوانده اید. زنی آنجا هست که مشکل خون دارد. سوال: پاک است یا نجس؟ او نجس است. چه اتفاقی می افتد وقتی کسی جذام دارد، کسی که ناپاک است، کسی را که پاک است لمس کند؟ چه اتفاقی برای فردی که پاک است می افتد؟ شما جذام دارید و یک فرد پاک را لمس می کنید. وقتی ناپاک تمیز را لمس می کند، چه اتفاقی برای پاک می افتد؟ پاک نجس می شود. چه اتفاقی برای عیسی می افتد؟ زن عیسی را لمس می کند. آیا عیسی نجس می شود؟ نه. نتیجه معکوس دارد. زن پاک می شود. او شفا یافته است! آیا این باحال است؟ آیا این کاملاً لایوان را نقض می کند؟ آیا همه آن چیزهای لایوان وجود دارد، آیا او نجس است؟ او نجس است. او عیسی را لمس می کند. ناگهان. او شفا یافته است. خوشگل! کاملاً زیبا! بنابراین شما این اتفاق واقعاً جالب را در مورد لایوان و عیسی می بینید، "چه کسی مرا لمس کرد؟" خوب، بله، او می توانست کشته شود. آیا با مقدس بودن عیسی ممکن است؟ حدس من این است که عیسی توسط همه افراد در جمعیت تحت فشار قرار می گیرد، بنابراین احتمالاً در لیست اولویت ها چندان بالا نبود و او امیدوار بود که عیسی او را شفا دهد و این دقیقاً همان چیزی است که اتفاق افتاد. وقتی اینطور هستید، احتمالاً ارزش ریسک کردن را دارد؟ پس این یک داستان زیبا با عیسی و لایوان و پیشینه آن داستان است.

V. نمودار خلاصه لایوان: ناپاک/پاک/مقدس [66:44-63:00]

حالا، در واقع قبل از اینکه این کار را انجام دهیم، این نمودار بعدی، من این نمودار بعدی را دوست دارم. این یکی از نمودارهای مورد علاقه من از همه کارهایی است که در پاورپوینت انجام می دهیم، این یکی مورد علاقه من است. این یک نمودار کل کتاب لایوان را دارد. هرگز فراموش نخواهم کرد، من کل این دوره را در مورد لایوان تدریس می کردم و این نمودار را از گوردون ونهام و تفسیر او در مورد لایوان دیدم. وقتی نمودار را دیدم، انگار کل کتاب لایوان در ذهنم چشمک زد. این یک

نمودار کل کتاب لاویان را در خود دارد. متأسفم که در آن اغراق می‌کنم، اما این کل کتاب لاویان را توضیح می‌دهد. این یک اغراق است، یک اغراق است. شما سه حالت مختلف دارید. شما حالت "مقدس" بودن را دارید. شما حالت "پاک" بودن را دارید. و شما حالت "نجس" بودن را دارید. زنی که مسئله خون داشت او چه بود؟ او نجس بود. شما "پاک" و سپس "مقدس" را دریافت کرده اید. حال، در بیشتر کتاب لاویان، آیا به شما می‌گوید که چه کسی ناپاک است؟ اگر زنی صاحب فرزند شود، سی روز پس از بچه دار شدن نجس است و نیاز به تطهیر دارد. یک مرد کارهای خاصی را انجام می‌دهد و چیزهایی را لمس می‌کند که نباید به دلیل نجس است. او باید بشوید. اگر نجس هستید، چگونه می‌توانید تمیز کنید؟ اگر نجس هستید، پاک می‌کنید. از چه ماده‌ای برای پاکسازی استفاده می‌کنید؟ آب. بنابراین برای اینکه ناپاک برای تمیز کردن حرکت کند، بشوید. یهودیان مراسم زیادی دارند که در آن دست‌های خود را می‌شویند. راستی این بهداشت خوب است؟ بنابراین آنها دست‌هایشان را می‌شویند. ماده دیگری که می‌تواند پاک کند، اما در آن شسته نمی‌شود، خون است. پس آیا فداکاری‌هایی خواهید داشت که شما را به این سمت ببرد؟ خونی که برای قربانی ریخته شد. بنابراین آب و خون پاک می‌شوند و شما پاک می‌شوید. حالا چگونه از پاک به مقدس حرکت می‌کنید؟ برای حرکت از پاک، شما تقدیس می‌کنید. معمولاً از چه ماده‌ای برای تقدیس استفاده می‌شود؟ روغن زیتون. شما معمولاً از روغن، روغن زیتون، برای تقدیس، معمولاً مسح و لمس استفاده می‌کنید. مقدس ساخته شده است. بسیاری از کتاب لاویان در مورد این جنبش است. سپس، چه اتفاقی می‌افتد وقتی چیزی مقدس است به سمت دیگری می‌رود؟ وقتی چیزی مقدس است، می‌توانید آنچه مقدس است را بی‌حرمت کنید. شما می‌توانید آنچه را که مقدس است ناپاک یا بی‌حرمتی کنید و به این سمت می‌رود. وقتی چیزی تمیز دارید، آن را آلوده می‌کنید و ناپاک می‌شود. بنابراین شما از این جهت پایین می‌روید و به سمت دیگر می‌آید. آیا بیشتر کتاب لاویان این سه حالت و حرکت بین این سه حالت را به شما می‌گوید؟ بله. این مانند کتاب لاویان است که فقط در یک نمودار وجود دارد (دانش آموز سوال می‌پرسد) بله، به همین دلیل است که شما باید با دقت به آنچه گفتم گوش می‌دادید. وقتی اینجا مقدس می‌زنید و آن را بی‌حرمتی می‌کنید، در این جهت حرکت می‌کند. در واقع مستقیماً برای تمیز کردن حرکت نمی‌کند، در واقع وقتی چیزهای بی‌حرمتی می‌کنید، از نمودار خارج می‌شود. همین نکته در اینجا، وقتی چیزی را آلوده می‌کنید که تمیز است، به نوعی به سمت پایین حرکت می‌کند، درست خارج از نمودار. بنابراین باید مراقب باشید. در آینده آنها به طور خاص کار می‌کنند. اما با بازگشت به پایین، دقیقاً حق با شماست. انگار اینجا در یک شیب لغزنده هستید. بی‌حرمتی به چیزها بد است. مشاهده خوب.

حال، برای قوانین پاکی، چرا خوک نجس است؟ چرا گربه ماهی نجس است؟ وقتی بزرگ می شدم گربه ماهی می خوردیم؟ آیا هیچ یک از شما ژامبون یا بیکن می خورید؟ پس چرا گربه ماهی نجس است؟ چرا یک زن - اکنون این کمی پیچیده تر است - چرا زن بعد از زایمان نجس است؟ آیا زایمان یک فرآیند طبیعی نیست؟ آیا زایمان مورد تایید خدا نیست؟ چرا زن پس از زایمان نجس محسوب می شود؟ در اینجا یک مورد دیگر وجود دارد: یک زوج متاهل پس از داشتن رابطه نجس تلقی می شود. آیا خدا از ابتدا آن را مقدر کرد؟ بله، زن و مرد باید یک تن شوند. اما در اینجا، یک زوج متاهل پس از داشتن رابطه نجس است. پس در مورد این چیز ناپاکی چگونه فکر می کنید؟ چگونه می توانیم آن را درک کنیم؟ آیا تفاوت در این چیزها را می بینید؟ بنابراین من می خواهم منطق های مختلف آن و این قوانین خلوص را بررسی کنم. به هر حال، آیا این واقعا با فرهنگ ما بیگانه است؟ بنابراین کاری که ما انجام می دهیم این است که به فرهنگ دیگری می رویم و به سه هزار سال عقب برمی گردیم. بنابراین به نوعی شما باید از طرز تفکر آمریکایی ما در مورد چیزها خارج شوید. آنها در آن زمان در مورد چیزها بسیار متفاوت فکر می کردند.

در اینجا یک مورد دیگر وجود دارد: چرا یک کشیش با دست تغییر شکل داده اجازه خدمت نداشت. من یک دوست خوب به نام فلوید ووتاو دارم و او دوست کتابدار من است. او یک دست تغییر شکل یافته دارد. آیا به او اجازه داده می شود به عنوان کشیش خدمت کند؟ او نمی توانست به عنوان کشیش خدمت کند. اگر بگویید، "خب، این تبعیض علیه معلولان است!" شما کاملا نکته کتاب لایوان را از دست داده اید. پس چگونه از همه این چیزها منطقی می شوید؟ پس این فصل 21، آیه 5 و 17 و جاهای دیگر است. بگذارید اکنون سعی کنم با آن مقابله کنم.

X. توضیح ادعای قوانین خلوص: کاملاً خودسرانه [69:37-68:57]

برخی از مردم می گویند که این قوانین خلوص هستند کاملاً خودسرانه، که خدا گفت: «این کار را بکن چون من چنین گفتم.» به هر حال، آیا پدر و مادران تا به حال به شما گفته اند که کاری را فقط به این دلیل انجام دهید که "من این را گفتم"؟ آیا خدا کاملاً خودسرانه است؟ بنابراین این معمولاً واقعا خوب کار نمی کند. خدا کاملاً خودسرانه بودن با شخصیت یا الگوی رفتاری عادی او مطابقت ندارد. او معمولاً کارهایی را برای هدفی انجام می دهد. بنابراین این یکی را ضعیف ترین استدلال می دانم. صادقانه بگویم، من آن را دور می اندازم. این فقط با شخصیت خدا مطابقت ندارد. او از مردم نمی خواهد که کارها را کاملاً خودسرانه انجام دهند. به نظر می رسد همیشه با شخصیت، سرنوشت، اهداف یا اهداف او ارتباط برقرار می کند.

Y. دیدگاه فرهنگی/فرقه ای [70:49-69:36]

در اینجا توضیحی وجود دارد: فرقه ای یا فرهنگی؟ چیزی که خدا می گوید این است: "هی، شما بچه ها، من می خواهم شما بچه ها با کنعانیان متفاوت باشید." کنعانیان، وقتی محراب می سازند، محراب های خود را از چه می سازند؟ سنگ برش خورده است. سنگ ها در کنار هم قرار می گیرند و محراب های خود را از سنگ تراش خورده می سازند. خدا می گوید، "من نمی خواهم که شما محراب خود را اینگونه بسازید. من از تو می خواهم که محراب خود را از سنگ های تراش نخورده بسازید." حالا، به هر حال، وقتی سه هزار سال به عقب برگردیم، آیا می توانیم یک محراب یهودی را از محراب کنعانی تشخیص دهیم؟ ما می توانیم بلافاصله بگوییم. محراب های کنعانی از سنگ های بریده شده در مکانی به نام آراد ساخته شده اند. به عنوان مثال، شما یک محراب کنعانی را می بینید که از سنگ تراش خورده ساخته شده است و محراب های یهودی از سنگ تراش نخورده ساخته شده اند، حداقل برخی از آنها. یهودیان در واقع مقداری از سنگ تراش خورده [مثلاً بشریع] ساختند. آنها قرار نبود این کار را بکنند، اما این کار را کردند. بنابراین، به عبارت دیگر، "فرهنگ کنعانی این کار را به این شکل انجام می دهد." خدا می فرماید. "من نمی خواهم شما این کار را به این شکل انجام دهید. من از شما می خواهم که این کار را متفاوت انجام دهید تا بین فرهنگ شما و فرهنگ کنعانی تفاوت وجود داشته باشد. به نظر می رسد برخی از قوانین با این تفاوت در فرهنگ توضیح داده می شوند. بنابراین این برخی چیزها را توضیح می دهد. به نظر می رسد تفاوت در فرهنگ بین فرهنگ کنعانی و فرهنگ اسرائیلی برخی چیزها را به عنوان نشانگرهای قومی توضیح می دهد.

Z. نمای بهداشتی [73:34-70:50]

حالا این یکی دیگر است: بهداشتی. در دهه 1950 مردی به نام مک میلان بود که کتابی به نام *هیچ یک از این بیماری ها نوشت*. او یک پزشک بود. او کتاب لاویان را مرور کرد و پرسید: "آیا این سالم است؟" حالا، راستی، آیا یهودیان چیزی در مورد میکروب ها می دانستند؟ یهودیان هیچ سرنخی از میکروب ها نداشتند - مطلقاً هیچ سرنخی نداشتند. حتی مردم آمریکای اولیه. آیا به یاد دارید - آیا کسی تا به حال به ویلیامزبورگ رفته است و چند نفر فقط به دلیل نگرانی های اولیه سلامتی جان خود را از دست داده اند. آنها از میکروب ها اطلاعی نداشتند و این افراد به خاطر آن مردند. پس آیا روشی که یهودیان همیشه دست های خود را می شویند، بهداشتی است؟ آیا این خیلی سالم است؟ شما گوشت خوک نمی خورید. در آن روزها آیا گوشت خوک تریکینوز داشت؟ حالا، به هر حال، وقتی شما بچه ها برای خوردن گوشت خوک می روید، آیا گوشت خوک دیگر در آمریکا تریکینوز دارد؟ همه چیز پرورش یافته است. بنابراین شما بچه ها لازم نیست نگران آن باشید. اما زمانی که من زودتر بزرگ می شدم، شما گوشت خوک را برای مدت طولانی بیرون نمی گذاشتید. آیا گوشت خوک را بدون پختن می خورید؟ اکنون، امروزه تریکینوز مشکلی ایجاد نمی کند. در واقع، آیا کسی تا به حال برخی را دیده است - این مردی که

با دختر من ازدواج کرده است، همبرگر خام می خورد. آیا تا به حال کسی دیده است که همبرگر بخورد، بدون اینکه آن را بیزد؟ آنها ژامبون می خورند - همبرگر خام؟ بله، شوخی نمی کنم! آن مرد همبرگر خام می خورد. نمی دانم. فکر کردم واقعا عجیب است. همبرگر خود را بیزید، لطفا! اما در آن زمان تریکینوز با گوشت خوک وجود داشت.

به هر حال، یک زن بعد از زایمان نجس است. آیا زن باید بعد از زایمان استراحت کند؟ این روشی است که آنها این کار را انجام دادند. به مدت سی و سه روز، یک زن بعد از زایمان نجس است و این - به هر حال، آیا این برای او سالم است؟ بله. بسیاری از قوانین، اجازه دهید این یکی دیگر را انجام دهم. در مورد این از نظر باکتری ها فکر کنید. وقتی باید شماره خود را می گرفتید، آیا اجازه داشتید در داخل اردوگاه یهودیان به دستشویی بروید؟ نه. کتاب مقدس می گوید وقتی داخل اردوگاه اسرائیل هستید، مشکلی دارید، باید بروید، اساسا باید از اردوگاه بیرون بروید و باید یک پارو با خود بیاورید تا چه کاری انجام دهید؟ شما باید آن را در خارج از اردوگاه دفن کنید. دفن آن در خارج از اردوگاه، آیا این سالم است؟ زیرا اگر این کار را در داخل اردوگاه انجام می دادید، آیا انواع مگس ها و بیماری ها وجود دارد؟ و خدا می گوید، "هی، نه، نه، نه، نه، وقتی شماره خود را انجام می دهید، این کار را در خارج از اردوگاه انجام دهید. آن را در خارج از اردوگاه دفن کنید." آیا این سالم است؟ منظوری این است که ما هنوز هم این کار را انجام می دهیم. ما تا به امروز آن را سپتیک تانک و چیزهایی از این قبیل می نامیم. بنابراین کاری که مک میلان انجام می دهد این است که می گوید بسیاری از این قوانین کاملاً قوانین سالم هستند. آیا این همه آنها را توضیح می دهد؟ نه، اینطور نیست.

Aa. نمای Yukkiness/تمامیت [79:32-73:35]

اکنون قصد دارم یکی دیگر را پیشنهاد کنم. این در واقع بر اساس یک جامعه شناس به نام مری داگلاس ساخته شده است. من به نوعی آن را به عنوان مال خودم پذیرفته ام. اما این مورد بعدی که می خواهم به شما نشان دهم برخی از موارد واقعا سخت را توضیح می دهد. آنهایی که نمی توانم بفهمم و هیچ سرخی از آنها ندارم. این همان چیزی است که من می خواهم آن را "دیدگاه ناخوشایند" بنامم. آیا هر فرهنگی چیزی دارد که در فرهنگ ناخوشایند است؟ به یک مراسم با همسرم برگردم. من همبرگر را دوست دارم. من آنها را با سس گوجه فرنگی دوست دارم. من عاشق سس گوجه فرنگی هستم. و بنابراین سس گوجه فرنگی را در دو طرف همبرگر گذاشتم. من در آن خرد می شوم و سپس این سس گوجه فرنگی را می بینم که اینجا پایین می آید و سپس پیش همسرم می روم و می گویم، "آیا مرا دوست داری؟ من یک بوسه می خواهم. من می خواهم عروس زیبای خود را ببوسم." و من سس گوجه فرنگی دارم و می دانم که سس گوجه فرنگی دارم و می خواهم ببینم: "آیا مرا دوست داری؟ چقدر مرا دوست داری؟ آیا

مرا می بوسی؟" البته که او این کار را نمی کند! «از من دور شو!» "برو دهانت را پاک کن!" سوال: وقتی به او نزدیک می شوم و سس گوجه فرنگی در دهانم آویزان است، سوال: آیا این مزخرف است؟ بگذارید از مثال دیگری استفاده کنم. این مثال بدی بود. بگذارید از مثال دیگری استفاده کنم. من در جایی به نام کالج گریس هستم. دختری از نقطه دیگری از جهان وجود دارد. در آن قسمت از جهان، این شوخی نیست، آنها عنکبوت می خورند. بنابراین او در خوابگاه است و یک عنکبوت وجود دارد و او آن را می ترکد. سوال - بله، باشه؟ بد. آیا همه این را می بینند؟ آیا این - ناخوشایند، باشه؟ حالا به هر حال، آیا او آن را به عنوان ناخوشایند دید؟ نه. به هر حال، حشرات منبع خوبی از پروتئین هستند. او آن را می پاپ می کند - این برای ما به نوعی ناخوشایند است. من فکر می کنم او این کار را تا حدی برای اثر انجام می داد. اما او آن را ظاهر کرد. بنابراین چیزی که من می گویم این است که چیزهای مختلف در فرهنگ های مختلف.

بگذارید این کار را انجام دهم: دیو اسلشر دوست من است. دیو تومور مغزی داشت و تومور مغزی درست پشت چشمش بود. او به کلینیک کلیولند رفت و آنها به سرش رفتند و تومور را بیرون آوردند. تقریباً به اندازه یک توپ گلف بود. در حالی که آنها در سر او بودند، عصبی را بریدند که پلک شما را روی این تکانه عصبی بالا و پایین می برد. آنها عصب یکی از پلک هایش را بریدند. بنابراین اتفاقی که می افتد این است که پلک او پایین آمد و برای همیشه پایین آمد. بنابراین او می تواند از طریق یک چشم ببیند اما پلک او در طرف دیگر پایین بود. حال، وقتی پلک شما پس از مدتی پایین می آید چه اتفاقی برای چشم شما می افتد؟ آیا چشم شما آتروفی می شود؟ و بنابراین او از یک چشم کور شد. بنابراین اکنون او به سمت مردم می رود. وقتی مردم به سراغ دیو می آیند، او فردی بسیار اجتماعی است و یک مکالمه گرای فوق العاده است، یک مرد بزرگ لذت بخش. او به سمت مردم می آید. آیا او چشمان مردم را تماشا می کند تا ببیند چه زمانی چه کاری انجام می دهند؟ بله. او به سمت آنها می آید، با آنها صحبت می کند و تمام مدت چشمان آنها را تماشا می کند. آیا آنها فقط با او صحبت می کنند به اطراف نگاه می کنند؟ سپس ناگهان چشمان آنها را می بیند که فقط به آن پلک پایین خیره شده است؟ بله. حالا، به هر حال، اگر او با بچه ها صحبت کند، آیا بچه ها واقعا دراماتیک خواهند بود؟ آیا پدر و مادران تا به حال به شما گفته اند که خیره نشوید؟ بنابراین شما به سمت دیو می آیید و او این چشم بد را دارد و ناگهان می گوید، "گاو مقدس، به آن نگاه کن!"

حالا، شما برای پرستش خدا وارد می شوید. آیا خدا می خواهد که شما به چشمان او خیره شوید یا خدا می خواهد که در پرستش به او فکر کنید؟ شما به کشیشی می رسید که دستی تغییر شکل داده است. شما گوسفندان یا بز خود را برای قربانی کردن بالا می آورید و این کشیش را با دستی تغییر شکل یافته دارید. قرار است چه چیزی را تماشا کنید؟ این کشیش مسلح گوسفندان شما را پایین می آورد. متأسفم، اما

این مرد چگونه این کار را انجام می دهد؟ او یک دست دارد که گوسفندان را پایین می آورد. آیا همه به این فکر می کنند که این مرد چگونه می خواهد این کار را انجام دهد؟ من آنقدرها هم عجیب نیستم، شما هم همین فکر را می کنید. شما خیلی مودب هستید که نمی توانید آن را بگویید. اما، چیزی که من می گویم این است که آیا می بینید که چگونه می تواند تمرکز را از پرستش دور کند. همه فکر می کردند: "این مرد چطور می خواهد با این گوسفند آنجا کشتی بگیرد؟" بنابراین خدا می گوید، اجازه دهید از کلمه دیگری استفاده کنم، "من چیزی را که غیر عادی است نمی خواهم." به عبارت دیگر، "من می خواهم همه چیز عادی باشد تا وقتی می آید هیچ چیز بدی وجود نداشته باشد. وقتی به حضور من می آیی، همه چیز باید عادی باشد تا بتوانید روی من تمرکز کنید و با این چیزهای دیگر حواس تان پرت نشود." بنابراین، به عنوان مثال، وقتی شماره خود را انجام می دهید، این کار را در کمپ انجام نمی دهید. حالا، ناگهان کسی در اردوگاه قدم می زند و برای عبادت می رود و ناگهان وارد آن می شود. و آنها شروع به تلاش برای پاک کردن آن می کنند و به عبادت می روند و این چیزها را روی پاهایشان دارند و بوی آن می دهد. خدا می گوید، "آن را از اردوگاه بیرون بیاورید. وقتی به حضور من می آیی، می خواهم روی من تمرکز کنی." پس این چیزی است که طبیعی است. حالا، به هر حال، آنچه طبیعی است، آیا در فرهنگ های مختلف متفاوت خواهد بود؟ و بنابراین، آنچه کامل است مجاز است، زیرا خدا فرهنگ آنها را می داند و می گوید، "آنچه کامل است. وقتی جلوی من می آیی، می خواهم همه چیز عادی باشد. من نمی خواهم وقتی می آیی مرا پرستش کنی چیزی ناهماهنگی ایجاد کند." بنابراین این دیدگاه ناخوشایند، من فکر می کنم هر فرهنگی این چیزهای ناخوشایند را دارد و خدا می گوید، "وقتی برای عبادت می آید این کار را نکن." بنابراین من این یکی را دوست دارم زیرا برخی از موارد سخت را توضیح می دهد و برخی از چیزهایی را می گوید که ما فرهنگ را نمی دانیم. به نظر می رسد که یک تمایز فرهنگی وجود دارد، به طوری که تمرکز می تواند بر خدا در یک عمل پرستش باشد تا بر روی جزئیات اطراف.

آرتور: قوانین خوردن حلال [86:52-79:33]

حالا، چگونه حلال بخوریم؟ بگذارید در کلاس آخر به شما بگویم نیت که در واقع یهودی است و نمی دانم آیا کسی در اینجا یهودی است یا خیر. وقتی به خواربار فروشی می روید چه کار می کنید؟ شما قوطی را برمی دارید و به دنبال آن هستید، یک دایره با K در آن وجود دارد. حلال است. شوخی می کنم، اما نه واقعا. آیا شما بچه ها در مورد K روی قوطی می دانید؟ بله. بنابراین اگر K روی قوطی باشد، حلال است. چگونه حیوانات واقعی کوشر زمینی می خورید؟ دو قانون برای حیوانات خشکی وجود دارد. آنها باید چه کاری انجام دهند؟ سم را بشکنید و کاد را بجوید. بنابراین، آیا گوشت گاو خوب است؟ گوشت گاو، خوب است. گوسفند، خوب؛ بزها خوب هستند. خوک ها خوب نیستند چرا؟ آنها سم را می شکافتند اما کاد را نمی جویند. بنابراین گوشت خوک حلال نیست. به هر حال، آیا گوشت خوک در آن روزها نیز با

تریکنوز مشکل داشت؟ بنابراین، گوشت خوک بیرون است. شما به سراغ یک یهودی می روید. شما می گوئید، "هی، بیایید بیرون برویم تا ژامبون و پنیر بگیریم." خوب، حالا فقط بین ما دو نفر، آیا یهودیان را دیده ام که گوشت خوک می خورند؟ بله. آیا شما به عنوان یک غیریهودی باید به آنها گوشت خوک بدهید؟ آیا این توهین است؟

روزی روزگاری، به یاد داشته باشید که شنبه شب به شما گفتم، همه در اورشلیم مهمانی می گیرند. روزی روزگاری من در پیتزا فروشی ریچی بودم و پیتزا می خوردم. بنابراین ما بیرون می رویم و می خواهیم مقداری پیتزا بخوریم. همه این افراد هستند که سفارشات خود را برای پیتزا هل می دهند و فریاد می زنند. و ناگهان، کسی فریاد می زند، این حقیقت صادقانه است، "پیتزا پیرونی!!!" و ناگهان، همه این افرادی که فریاد می زنند، همه جا مانند سکوت مرده می شود. حالا، مشکل چیست؟ شما موهای من را دیدید، من در آن روزها موهای داشتم. آیا واضح است که من یهودی نیستم؟ همه به اطراف نگاه می کنند. آیا آنها به دنبال یک غیریهودی هستند؟ من یک غیریهودی بودم. آیا این زمانی است که از آنجا خارج می شوید؟ بنابراین ناگهان شروع به عقب نشینی می کنید، متوجه می شوید که چه اتفاقی افتاده است. من این کار را نکردم! من آنقدرها هم احمق نیستم. من این کار را نکردم، اما آنها به اطراف نگاه می کنند و من یک غیریهودی هستم. و بنابراین ما فقط عقب نشینی کردیم و سپس با سر عتی که می توانستیم بلند شدیم زیرا این جالب نیست. پیتزا پیرونی... این کار را نکنید. ژامبون نکنید، زیرا ژامبون حلال نیست.

حالا، این حیوانات خشکی است. موجودات دریایی چطور؟ دو قانون برای موجودات دریایی. موجودات دریایی باید داشته باشند - در واقع، این کار را به این روش انجام دهند. چه چیزی برای ماهی طبیعی است؟ دارای فلس و باله است. آیا این یک ماهی معمولی است؟ دارای فلس و باله است. پس آیا می بینید که چگونه این چیز عادی در اینجا قرار می گیرد؟ حالا، این یعنی چه؟ باس خوب است. ماهی قزل آلا خوب، نورترن پایک خوب و Walleye خوب هستند. چه ماهی بازی دیگری می خوریم؟ ماهی قزل آلا خوب است. هالیبوت خوب است. در مورد گربه ماهی به من بگوئید؟ مشکل گربه ماهی چیست؟ فلس ها و باله ها. آیا تا به حال گربه ماهی برداشته اید؟ گربه ماهی چه چیزی روی آن دارد؟ پوست، نه فلس. مثل این است که مار ماهی پوست دارد. بنابراین آنها گربه ماهی را انجام نمی دهند. آنها خرچنگ هم نمی کنند. در واقع وقتی بزرگ شدم، پدرم نیز گربه ماهی صید می کرد. من گربه ماهی را دوست دارم اما اگر یهودی هستید، حلال نیست. این چیز دیگری است که مردم پیشنهاد می کنند، زیرا آنها تغذیه کننده های پایین هستند و چیزهایی از این قبیل که در آن احتمال بیشتری برای بیماری وجود دارد. من به گذشته نگاه می کنم و می گویم که ممکن است اینطور باشد، اما من این ایده طبیعی را دوست دارم، که ماهی با باله و فلس طبیعی است. فکر می کنم آن را از تغذیه کننده پایین بگیرم زیرا می دانید، ماهی دیگری که

هرگز نخوردیم ماهی کپور بود. ماهی کپور در پایین مکنده است اما باله و فلس دارد. من ترجیح می دهم هر روز گربه ماهی بخورم تا ماهی کپور.

بله، بیایید به این موضوع ادامه دهیم. ما موجودات پرنده ای داریم. چه نوع موجودات پرنده؟ بدون پرنده شکاری. پرندگان شکاری چیست؟ پرندگان شکاری پرندگانی هستند که خون می خورند. آیا این تصور را دارید که خوردن خون خوب نیست؟ یهودیان اجازه ندارند خون بخورند. پرندگان شکاری خون می خورند. آیا می توانید یک شاهین بخورید؟ بدون شاهین. کرکس ها، خوب یا بد؟ بد. جغدها، خوب یا بد؟ بد. هر یک از این نوع پرندگان شکاری مانند کرکس ها، شاهین ها، جغدها و این انواع. قرقاول ها چطور؟ قرقاول، خوب. من یک خانواده بوقلمون دارم که اکنون هر روز در حیاط من می آیند. آیا بوقلمون خوب است؟ بوقلمون ها خوب هستند. چه نوع پرندگان دیگری؟ آه، بلدرچین ها! آیا یهودیان بلدرچین می خورند؟ آیا ما این را می دانیم؟ بلدرچین های بیابان را به خاطر بسیاری.

حالا، چهارمین مورد در اینجا حشرات هستند. آنها در واقع به آنها اجازه می دهند حشرات را بخورند: قیف ها، بله. آگهی ها، نه. می توانید به من بگویید کسی که ملخ خورده است؟ آیا کسی از کتاب مقدس کسی را می شناسد که ملخ خورده باشد؟ بله، یحیی تعمید دهنده. وقتی در سینا بودم، اورا، که راهنمای تور ما بود، (ما سه هفته در سینا بودیم) او ما را مجبور کرد که همه جا قدم بزنیم. او گفت: "شما سوار نمی شوید، شما راه می روید." او ما را مجبور کرد راه برویم و در یک جا گفت: "من می خواهم شما را به اینجا راه ببرم." مجبور شدیم از خط الراس بالا برویم. و او گفت، "وقتی به آنجا می روید، مراقب این ملخ های سیاه باشید." آنها ملخ سیاه دارند. آیا در بیابان چیزهای زیادی سمی است؟ آنها فقط یک فرصت برای حمله دارند و بسیاری از آنها سمی هستند. او گفت که این ملخ های سیاه تف می کنند و وقتی تف می کنند مانند نیش زنبور عسل است. او گفت، اگر به چشمت برخورد کند، چشمت را بیرون می زند. بنابراین ما آنجا هستیم، در این مسیر قدم می زنیم و حدس بزنید چه؟ ناگهان، درست جلوی ما، یک ملخ سیاه اینطور نشسته است؟ بنابراین من این ملخ سیاه را می بینم. گفتم، "هی، من از آمریکا آمدم. من باید یک ملخ سیاه ببینم. من می خواهم از این چیز عکس بگیرم!" بنابراین، من سعی می کنم به آنجا برسم. من عینک دارم. من یک دوربین دارم. بنابراین من دارم به این ملخ سیاه می روم. در همین حال، همسرم فریاد می زند: «ملخ سیاه! اجرا! اجرا! ملخ سیاه!» من سعی می کنم این تصویر را بگیرم. مشکل این بود که وقتی این کار را بدون لنز تله فوتو انجام می دهید، مشکل چیست؟ ملخ سیاه در تصویر من فقط یک تکه سیاه کوچک است و من کاملاً تصویر را منفجر کردم. به هر حال، این یک فاجعه بود. پس از آن ملخ های سیاه دوری کنید. آه، راستی، ملخ ها، همیشه می گفتم، ملخ ها را در خمیر بریزید، به آنها بال مرغ بگویید، هیچ تفاوت را نمی داند. آیا حشرات پروتئین بالایی دارند؟ بله. و بنابراین برای حشرات: قیف، بله. آگهی ها، نه. قیف ها ملخ خواهند بود. ملخ ها، ملخ ها، از این قبیل چیزها. در حالی که آگهی

ها چیزهایی مانند زنبورها و پشه ها هستند.

Ac. سه مشکل در لایوان [90:29-86:53]

حالا، سه مسئله پیش می آید و ما فقط بعد از اینکه این اسلاید را تمام کردیم، آن را یک روز می نامیم. من یک دوست داشتم کوین کار که در یک دانشگاه سکولار بود. استاد دانشگاه سکولار گفت، "کتاب مقدس پر از اشتباهات علمی است." بنابراین کوین که یک کراکر عاقل بود، دستش را بالا می برد و می گوید: "من چندین بار کتاب مقدس را خوانده ام و هرگز هیچ اشتباه علمی ندیده ام!" پروفیسور می گوید: «اوه، واقعا؟ شما کل کتاب مقدس را خوانده اید، درسته؟ در مورد لایوان 11.6 چطور؟" و شما فقط کوین را می بینید که انقباض می کند: لایوان. او یک مسیحی است. آیا او لایوان را خیلی خوب می شناسد؟ بنابراین پروفیسور می گوید، "در لایوان 11:6، می گوید که خرگوش کاد را می جود. خرگوش کاج خود را نمی جود." به هر حال، آیا این درست است؟ برای جویدن کاد به چند معده نیاز دارید؟ آیا برای جویدن کاد به معده های متعدد نیاز دارید؟ خرگوش کاج خود را نمی جود. آیا این درست است؟ درست است. با این حال، آیا کتاب مقدس همیشه با اصطلاحات علمی صحبت می کند؟ آیا خرگوش به نظر می رسد که در حال جویدن چیزها است؟ حالا، این امکان وجود دارد - آیا این زبان ظاهر است؟ به عبارت دیگر، زبان ظاهر لزوما یک توصیف علمی نیست که در واقع از معده آنها بیرون آمده است. خرگوش غذای خود را بارها و بارها می جود. آیا این امکان نیز وجود دارد که این اصطلاح "خرگوش" یک ترجمه اشتباه باشد و واقعا در مورد یک گورکن سنگی صحبت کند؟ به عبارت دیگر، وقتی بین کشورها می روید و سه هزار سال متفاوت هستید، آیا ممکن است ترجمه بین حیوانات اشتباه کرده باشید؟ بنابراین می تواند یک مشکل ترجمه باشد. ممکن است این فقط زبان ظاهر باشد.

دومی خفاش است. خفاش ها در فصل یازدهم، آیه نوزدهم پرنده محسوب می شوند. خفاش ها با پرندگان گروه بندی می شوند و شما با خفاش ها سر و کار ندارید. من در مورد این مرد به نام پروبو که در زندان بود به شما گفتم. پروبو در زندان بی اعتقاد بود. پروبو وقتی وارد کلاس می شود دستش را بالا می برد و می گوید: "پروفیسور، من اشتباهی در کتاب مقدس پیدا کردم." و او می گوید، "این می گوید که خفاش ها پرنده هستند و همه می دانند که خفاش ها پرنده نیستند." از شما می پرسم: گوجه فرنگی، چیست؟ این یک میوه است. سوال: چه اتفاقی می افتد اگر شما در فرهنگ دیگری باشید و آنها گوجه فرنگی را سبزی بنامند؟ آیا این یک معامله بزرگ است. آیا تمام جهان باید از سیستم طبقه بندی آمریکایی استفاده کنند؟ آیا خفاش مانند پرنده پرواز می کند؟ شما می گویید، "خوب، خفاش یک پستاندار است." آیا آنها باید دقیقا از سیستم طبقه بندی ما پیروی می کردند؟ نه. آنها چیزها را متفاوت از ما طبقه بندی می کنند. بنابراین این فقط یک تفاوت طبقه بندی است. تمام نکته را در آنجا از دست ندهید.

سومین مشکلی که در کتاب لاویان وجود دارد و بسیاری از مردم با آن مشکل دارند، ممنوعیت رفتار همجنسگرایانه است. لاویان 18: 22 و 20: 13 دو متنی هستند که بیرون می آیند و می گویند، "انسان نباید با مرد دیگری بخوابد". پس این سه مشکل در کتاب لاویان است.

حالا، کاری که دفعه بعد انجام خواهیم داد این است که در مورد سیستم قربانی صحبت کنیم. دفعه بعد لاویان را تمام خواهیم کرد. بنابراین، مراقب باشید. با پایان هفته طولانی در اینجا اوقات خوبی داشته باشید.

این دکتر تد هیلدبرانت در دوره تاریخ و ادبیات عهد عتیق خود است، سخنرانی # 13 در مورد کتاب لاویان: قدوسیت، قوانین پاکی، و مشکلات.

رونویسی شده توسط مگان سیدروپولوس خشن ویرایش شده توسط تد هیلدبرانت 2